

فدائیان خلق فرستاده می‌شود. در این شماره بخشی دیگر از نامه‌ها و پیام‌ها را درج می‌کنیم:	اتحادیه‌های کارگری و مجامع بین‌المللی نامه‌های اعتراضی برای مقامات رژیم خمینی و پیام‌های مهمبستگی برای	در ابراز انزجار علیه این گونه جنایات و در پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران، همچنان از سوی احزاب سیاسی،	باتیرباران رفیق انوشیروان لطفی، نفرت جهانی علیه رژیم سرکوبگر فقها گسترش یافته است. بیشتر یافته است.
---	--	--	---



دو شنبه عتیر ۱۳۶۷ برابر ۲۷ ژوئن ۱۹۸۸
 بهار ۵۰ عریال سال پنجم شماره ۲۱۳

کنفدراسیون عمومی کارفرانسه (ث. ژ. ت): ما محکوم می‌کنیم

در صفحه ۸



یادشهدای

۸ تیر

جاودانه است

در صفحه ۶

یک شکست نظامی دیگر:

جزیره مجنون از چنگ رژیم خارج شد

زده‌است. پیش از شکست ماووت نیز رژیم در مهران متحمل یک ضربه نظامی شده بود. در آغاز هفته گذشته نیروهای مجاهدین خلق شهر مهران را به مدت دو روز به تصرف خود درآوردند. در اطلاعیه‌های نظامی جمهوری اسلامی تنها به درگیری با نیروهای عراقی در منطقه مهران اشاره شده بود. وزیر اطلاعات عراق در طی مصاحبه‌ای شرکت نیروهای عراق در حمله به مهران و نیز ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در این منطقه را رد کرد. عراق در هفته گذشته همچنین دست به چند حمله هوایی زد. هدف این حملات چند منطقه صنعتی و مسکونی از جمله در اهواز بانه و ایلام بود.

شکست مجنون، پس از شکستهای فاوو و شلمچه، رژیم را دچار مخمضه بیشتری کرد. فلاکت جنگی رژیم بعد بیشتری یافت و خمینی و سپهسالارش درگیر مشکلات عظیم تری شدند. انتصاب رفسنجانی به مقام جانشین فرمانده کل توأ معجزه‌ای به بار نیاورد. شیرازه امور از دستشان خارج شده‌است و ماشین جنگی شان در گل بقیه در صفحه ۲

در روز شنبه ۴ تیر، عراق اعلام کرد که با یک حمله برق آسا "جزیره مجنون" را به تصرف در آورده‌است. این جزیره که بر روی یک سفره نفتی قرار دارد و به لحاظ اقتصادی و نظامی بسیار پراهمیت است ۴ سال پیش به تصرف رژیم درآمد. در آن هنگام سران حکومت پیرامون تصرف این جزیره عراقی بسیار در بوق و کرنا دمیدند. آنها می‌گفتند جزیره را به خاطر منابع نفتی آن، حتی اگر زمانی باب مذاکره باز شد، برای فراموشی در تصرف خود نگه خواهند داشت. بعداً این حساب را بر روی بندر فاو نیز باز کردند. اکنون هم فاو و هم مجنون از چنگ رژیم خارج شده‌است.

جزیره مجنون زمانی به تصرف عراق درآمد که ذهن فرماندهان نظامی رژیم متوجه جبهه شمالی بود. در این جبهه درگیری خونینی جریان داشت. عراق در روز پنج شنبه ۲ تیر اعلام کرد که پس از یک درگیری سه روزه در منطقه ماووت (واقع در غرب بانه) ۷ بلندی پراهمیت سوق الجیشی را به تصرف درآورده و ضربات سختی به نیروهای خمینی وارد آورده‌است. جمهوری اسلامی مدعی شد که این حمله را پس

طی سه ماهه فصل بهار در ایران

بهای کالاها ۵۰ درصد گرانتر شد

است، چماق تعزیرات حکومتی، آرامش خاطر گرانی را بر هم نمی‌زند، کالاها چندگامی را در پستوی حجره‌ها بسر می‌برند تا با بهائی گزافتر "کنترل دولتی" مضحک را به ریشخند گیرند. گرانی به حدی است که مطبوعات سانسور زده هم ناگزیر به اعتراف آتند. مثلاً در کیهان ۳۱ اردیبهشت آمده‌است:

"...اولین مشتری به هوای خرید وارد شد. شاگرد مغازه با سلامی آشنائی قبلی خود را نسبت به خریدار ابراز کرد. آشنائی گذشته با رفت و آمدهای بسیار خریدار به مغازه و توافق بر خرید اجاق گاز به قیمت "۱۵۰ هزار تومان" شکل گرفته بود و خریدار می‌دانست که "۱۵۰ هزار تومان" آخرین قیمتی بود که روز قبل صاحب

بقیه در صفحه ۵

گرانی برون از توصیف، گرانی مهار نشدنی، گرانی بی‌حد و مرز، گرانی نه این کالا و آن کالا بلکه گرانی عمومی، گرانی نه سال به سال، بلکه گرانی روز به روز، این است سیمای واقعی زندگی توده‌های زحمتکش در سایه حکومت جمهوری اسلامی. سیرگران شدن کالاها در جامعه ایران از هیچ نظم و منطقی تبعیت نمی‌کند. گرچه تابع هلال متعددی است، ولی از استقلال برخوردار بوده و بنا به اراده این یا آن قدر قدرت مدار توزیع، بلادرنگ واکنش نشان داده و سیر صعودی خود را در پیش می‌گیرد.

اقتصاددانان از نوسان قیمت کالاها سخن می‌گویند، ولی گرانی در جامعه ایران اصلاً نوسان نمی‌کند، مدام به پیش می‌تازد و هرگز به عقب، هرگز به گذشته، و لوروز قبل نمی‌نگرد. چماق حزب الله که خود، در شبکه توزیع آمیخته

در این شماره

خبرگزاری‌ها: بیماری خمینی

سخت تر شده است

در صفحه آخر

راه انقلاب، دموکراسی و صلح

در صفحه ۱۲

با کشورم چه رشته است

شهری از شهید سلطانی‌پور

در صفحه ۱۱

یک شکست نظامی دیگر: جزیره مجنون از چنگ رژیم خارج شد

بقیه از صفحه اول

فرورفته است. فلک زدگی رژیم، خاصه در زمینه جنگ، نه اتفاقی است و نه صرفاً با تجدید قوا، تمرکز نیرو و تبصر جنگی عراق قابل توضیح است. روند تازه نتیجه منطقی تشدید بحران موجودیت رژیم است. ماشین جنگی فرسوده شده است، نفرت از جنگ از جمله در درون خود نهادهای جنگی گسترش یافته است، رژیم به لحاظ اقتصادی فلج شده است، کمیت‌ها بر روی هم جمع شدند و کیفیت تازه را پدید آوردند. این روند ادامه خواهد یافت. رژیم می‌کوشد منکر آن شود، می‌کوشد شکست را با بمب‌های شیمیایی و یا با ضعف فرماندهی توضیح دهد. می‌کوشد به هر قیمت شده یک پیروزی جنگی داشته باشد. نیروی خود را در یک نقطه متمرکز می‌کند تا بلکه بتواند ضربه‌ای وارد سازد تا سروصدایی به راه اندازد. حمله شلمچه در دو هفته پیش با همین هدف سازمان داده شد.

اما حاصل آن جز شکست تازه‌ای نبود. در شلمچه ۹۰ تانک - بنا بر برآورد روزنامه واشنگتن پست ۱۰ درصد کل تانکهای ارتش جمهوری اسلامی - به فنیت عراق درآمد. اکنون عراق ابتکار عمل را در جبهه‌ها به دست گرفته است. حمله عراق به جزیره مجنون فاش‌گیرانه نبود. روزنامه واشنگتن پست در هفته گذشته نوشته بود که عراق یک نیروی ۲۰۰ هزار نفری برای حمله به مجنون تدارک دیده و آمادگی دارد در این ناحیه پیشروی کرده و قوای جمهوری اسلامی را تا ۵۰ کیلومتر عقب براند. موضوع حمله عراق به جزیره مجنون آنسان روشن بود که حتی خبر قریب‌الوقوع بودن آن در روزنامه‌ها نیز درج شده بود. اما رژیم نتوانست راهی برای مقابله با آن بیابد. این موضوع نشان دهنده حد بالای درماندگی جنگی جمهوری اسلامی است. شکست مجنون، نیروهای مسلح را دچار افت روحیه بیشتری خواهد کرد. فرار از جبهه‌ها ابعاد وسیعی یافته است، بسیجی‌ها به

جبهه نمی‌روند، بنا بر برآورد واشنگتن پست شمار داوطلبان بسیجی ۷۰ درصد کاسته شده است. رژیم به شدیدترین بگیر و بندها برای خالی نمودن جبهه‌ها رو آورده است. این امر بیشتر بر نفرت مردم از جنگ و از رژیم دامن می‌زند. مبارزه علیه جنگ روبه گسترش است. از تنگنای ناگزیری که رژیم بدان دچار است باید بهره جست و این مبارزه را تا حد حرکت‌های توده‌ای ارتقاء داد. همه تبلیغات دروغین رژیم مبنی بر فتح کربلا و بغداد به کمک امدادهای فیزی رامی‌بینند. مرگ و هزا و شیون و بیکاری و گرسنگی و تفنگ بدستی که آمده است تا هم‌زیز دیگری را به زور سرنیزه راهی جبهه‌ها سازد:

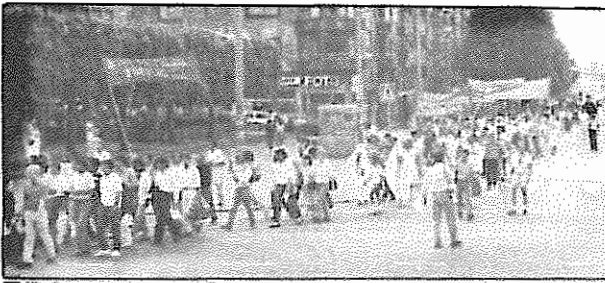
وجود رژیم اکنون در نزد توده‌های کثیر مردم مترادف با این مصیبت - ما این درد‌ها و این رنج‌هاست. انفشارگی کنیم، به این نگرته‌ها امن زنییم، نگرته‌ها



راه حرکت بدل کنیم. مبارزه وارد دور تازه‌ای می‌شود.



آرزوهای بر باد رفته!



خیابان اصلی شهر گوتنبرگ سوئد در روز پنج شنبه (۹ ژوئن) شاهد تظاهرات ایرانیان علیه جنگ ایران و عراق بود. این تظاهرات به دعوت کمیته صلح شهر گوتنبرگ برگزار گردید. تظاهرکنندگان پس از راهپیمایی با تجمع در میدان کتابخانه مرکزی شهر به قرائت قطعنامه‌ای حاوی خواست قطع فوری جنگ، قطع صدور اسلحه و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل گوش فرادادند. تظاهرکنندگان همچنین بمباران شیمیایی مناطق کردنشین را محکوم کردند. علاوه بر ایرانیان، سوئدی‌ها و کردهای عراقی نیز در این حرکت صلح خواهانه شرکت داشتند. شرکت فعالین ۲۳ انجمن و سازمان سیاسی در تظاهرات، جلوه‌ای از موفقیت حرکت‌های مشترک برای دستیابی به صلح راه نمایش‌گذارند.

به جنگ ایران و عراق پایان دهید!

دانمارک

از تاریخ ۲۱ تا ۲۳ ماه مه پانزدهمین کنگره حزب سوسیالیست چپ دانمارک در شهر آر هوس برگزار گردید.

بنا به دعوت این حزب از سازمان ما برای شرکت در کنگره، فدائیان خلق در دانمارک در آن حضور یافتند.

طی سه روز جلسات کنگره، فدائیان خلق بانمایندگان جریانهای سیاسی شرکت کننده از کشورهای مختلف ملاقات داشتند و با آنها پیرامون اوضاع ایران، جنگ و زندانیان سیاسی به گفتگو نشستند.

معمان حاضر در پانزدهمین کنگره حزب سوسیالیست چپ دانمارک باامضای متنی حاوی خواست پایان دادن به جنگ و آزادی زندانیان سیاسی ایران، با مبارزات فدائیان خلق ایران همبستگی کردند.

اسامی امضا کنندگان این متن به قرار زیر است:

- حزب کمونیست دانمارک
- حزب کمونیست جمهوریخواه ایرلند
- حزب کارگران سوسیالیست سوئد

- حزب دمکراتیک فیلیپین
- حزب انساندوستان (دانمارک)
- جنبش انقلابی خلق پرو

.....

آلمان فدرال

در فستیوال جوانان سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در شهر بوخوم آلمان فدرال نمایندگی جوانان پیشگام ایران و اتحادیه دانشجویان عراقی در یک نشست با صدور اعلامیه مشترکی علیه سیاست ادامه جنگ، خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل شدند.

این اعلامیه مورد حمایت ۱۶ سازمان دانشجویی قرار گرفت که عبارتند از:

- جبهه فارابوند مارتی و جبهه دمکراتیک السالوادور
- سازمان جوانان کمونیست سوئد
- اتحادیه جوانان هلند
- سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
- سازمان جوانان کنگره ملی آفریقا
- سازمان جوانان اتیوپی
- کلکتیو جوانان اسپانیا (م-ل)
- سازمان جوانان کمونیست شیلی
- جوانان جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- فدراسیون دانشجویان دمکرات پاکستان
- جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین
- جوانان دمکرات فلسطین
- اتحادیه دانشجویان اردن
- جوانان اینتر ستامپا ایتالیا
- جوانان لابر ایرلند

کدام، سابقه کار با آر. پی. جی، هفت نداشتیم. قدرت تیراندازی ما زیر صفر بود. اما کسی نبود که به این مسائل توجه کند. هیچ یک از سربازان روحیه جنگیدن نداشتند. فرماندهان هم بهمین ترتیب بودند. همه خسته و مانده بودند. نه اعتقادی برای جنگیدن داشتند و نه آموزش‌آرا دیده بودند.

به منطقه عملیات هم اصلا آشنائی نداشتیم. در جزیره با فاصله کمی از ما، اجساد متعفن شده دهها سرباز بر زمین افتاده بود. امکان جمع‌آوری آنها وجود نداشت به‌خاندان این قبیل سربازان اعلام شده بود که فرزندان جزو مغفودالانرا هست. ما می‌دانستیم که با اولین حمله ما هم چنین سرنوشتی را پیدا خواهیم کرد. همه ما از چنین مرگ مزرخفی در هراس بودیم. حتی فرماندهان هم می‌گفتند که در صورت آغاز نبرد دو سوم ما کشته، زخمی و اسیر می‌شویم. نمی‌دانستیم چرا باید این سرنوشت را تحمل کنیم.

جزیره مجنون، که به عراق تعلق دارد، با دادن هزاران کشته به‌تصرف رژیم درآمد. با تصرف جزیره، کشتار در آن خاتمه نیافت. برای هر روز در تصرف نگه داشتن آن دهها نفر را به خاک و خون در قتلاندند. و اینک جزیره با دادن تلفاتی سنگین مجدداً به تصرف عراق درآمده است. این شکست دیگری است که بر شکستهای نظامی اخیر رژیم افزوده شده و ضربه روانی حاصل از آنها را شدت بخشیده است. نامه‌ای را که در زیر می‌خوانید، در شماره ۲۵ نشریه "اکثریت" با عنوان فرار از جهنم مجنون چاپ شده بود. آن هنگام که این جزیره به تازگی در تصرف رژیم در آمده بود. این نامه توصیف گویایی از وضعیت نیروهای مستقر در این جزیره بدست می‌دهد. نامه را سربازی که مدتی در جزیره مجنون بوده و سپس از آن گریخته، نوشته است. آن را بازخوانی می‌کنیم:

توصیفی از جزیره مجنون

زندگی در جزیره فقط هذاب بود. گرسنگی، تشنگی همراه با کار طاقت فرسا همراه با فحش و ناسزای فرماندهان و مسئولین. ترس دائمی از عقرب گزیدگی، طاقتمان را طاق کرده بود. سنگ‌های ما در برابر توپخانه عراقی‌ها بدون حفاظ بود. نیروهای خسته و بی روحیه ما در حکم سیاهی لشکر بودند و ارزش نظامی نداشتند. با تمرکز فوق‌العاده نفرات می‌خواهند این ضعف را جبران کنند. درست و حسابی مارا گوشت دم توپ کرده بودند. فکر کردم مسخره است اگر بنام و بی‌خودی در این جوانی بمرم. تصمیم گرفتم در اولین فرصت فرار کنم و دیگر برنگردم. هر چه که می‌شود بشود. عده زیادی از سربازان پیش از من فرار کرده بودند و دیگر برنگشتند حتی افراد سپاه و بسیج هم فرار میکنند. چند تا از درجه دارها هم رفتند و دیگر به جهنم مجنون برنگشتند. نفرات مستقر در جزیره، اسم آنرا جهنم مجنون گذاشتند.

بالاخره نوبت من هم رسید...

دوره آموزشی ما به این ترتیب بی‌آنکه چیزی یاد بگیریم پایان رسید. نه کسی هلاقه برای یاد گرفتن داشت و نه کسی بود که بخواهد چیزی به ما یاد بدهد. وقتیکه نوبت تقسیم ما رسید همه صحبت بند (پ) رامی‌کردند. منظور از بند (پ) کسانی هستند که با پول و پارتی به نقاط بی‌خطر فرستاده می‌شوند. در پادگان این افراد را سمیه بند (پ) اسم گذاری کردند. تکلیف وابستگان به رژیم هم روشن بود. آنها بجای اینکه بخاطر هشق به شهادت! رمسپار جبهه شوند، سمیه واحدهای سیاسی-عقیدتی می‌شوند و در پادگانها باقی می‌مانند. در نتیجه من مطمئن بودم که سمیه جبهه می‌شوم و شربت شهادت را بزور در گلو می‌خواهند ریخت.

با اعلام نتیجه تقسیم مرا روانه اهواز کردند. پس از ورود به لشکر ۹۲ زمینی اهواز واحدمارابه طرف جزیره مجنون فرستادند. گروهانی که می‌بایست در آن خدمت می‌کردم تازه تجدید سازمان شده بود و همه افرادی که تجربه و تعلیم ندیده بودند. هیچ

رفسنجانی "ستاد فرماندهی جامع" ایجاد می کند

هاشمی رفسنجانی ایجاد "ستاد فرماندهی جامع" را جزو مسایل ضروری نیروهای مسلح خواند و گفت که برای "ستاد" مورد نظر افرادی را معین کرده است و با افرادی به مشورت پرداخته که نتیجه آن بزودی اعلام خواهد شد.

رفسنجانی افزود: "در این ستاد جامع عناصری از ارتش، سپاه و دولت و سایر نیروهای موثر در جنگ در تصمیم گیری ماطرف مشورت خواهند بود." فرمانده کل قوا همچنین گفت که تصمیم دارد نیروهایی را که در بخش پشتیبانی، ستاد و اداری نیروهای مسلح فعالند به "جبهه نبرد" اعزام کند، وی در پایان ابراز امیدواری کرد که آثار اقداماتش در سه ماه آینده به "طور ملموس احساس گردد."

هاشمی رفسنجانی در یک گفتگوی رادیو و تلویزیونی که روز یکشنبه ۱۵ خردادماه از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، ضمن تایید نارضایتی نیروهای مسلح و "انتقادهای مکرر" فرماندهان، به تشریح وظایف خود پرداخت و گفت که یکی از وظایف اصلی وی "تلاش برای ایجاد سازمان مناسبی برای کل نیروهای مسلح است."

جانشینی فرمانده کل قوا در مصاحبه تلویزیونی در مورد ادغام سپاه و ارتش تصریح کرد که "در موارد ضروری تغییراتی صورت خواهد داد." افزود که وی به این زودی قصد ندارد ارتش را در سپاه ادغام کند.

تغییرات تازه در شورای نگهبان

شد. یزدی در سخنرانی که در فاصله مرحله اول و دوم انتخابات در تهران انجام داد با اشاره به اقدامات جناحی که هم اکنون اکثریت مجلس را در اختیار دارد، گفت نگران است که در گریه به برپایی "جبهه های دار" ختم شود.

یزدی، پیش از آنکه به جای صافی برگمارده شود، از سوی شورای نگهبان به عضویت شورای عالی آموزش و پرورش درآمده بود. آیت الله صافی داماد او از نزدیکان فکری گلپایگانی به شمار می رود. لازم به یادآوری است که اعضای شورای نگهبان، عضو مجمع تشخیص مصلحت حکومت اسلامی هستند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، خمینی طی حکمی محمد یزدی نایب رئیس دوره دوم مجلس شورای اسلامی را به عضویت فقهی شورای نگهبان منصوب کرد. در قسمتی از متن حکم خمینی آمده است: "جناب حجت الاسلام آقای شیخ محمد یزدی داماد... افاضات با تقدیر و تشکر از زحمات جناب حجت الاسلام آقای صافی داماد... افاضات، طبق اصل ۹۶ قانون اساسی جناب عالی را... به عنوان یکی از فقهی شورای نگهبان منصوب می نمایم."

محمد یزدی در دوره دوم مجلس شورای اسلامی نایب رئیس مجلس بود اما در انتخابات دوره سوم که در فروردین ماه سال جاری برگزار شد، از راهیابی وی به مجلس جلوگیری

۸۰ هزار نفر از شرکت کنندگان کنکور در جبهه هاستند

به جبهه و آزمون مرگ و زندگی برای مدتی نجات دهد.

۸۰ هزار نفر از داوطلبان سال جاری، هم اکنون در جبهه های جنگ هستند و آزمون خود را در محل جبهه برگزار کرده اند. این عده و اعضای سایر نهادهای وابسته به رژیم چون سالمی گذشته از حق سهمیه پذیرش که مجموعاً بیش از ۳۰۰ در صد ظرفیت دانشگاههاست، برخوردارند. شرکت کنندگان در کنکور سال جاری تاکنون چندین بار تحت عنوان حق ثبت نام، خرید دفترچه راهنمای کنکور و خرید کتاب نحوه تقاضای ورود به دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی، اخذی شده اند.

دیگر اخبار مسائل آموزشی کشور حاکی است که امتحانات نهایی دوره سوم راهنمایی مدارس استان هرمزگان که در نیمه دوم اردیبهشت گذشته برگزار گردید، از سوی اداره کل آموزش و پرورش استان ابطال شده است و قرار است امتحانات مجددی برگزار شود. وزارت آموزش و پرورش هلت تصمیم خود را پخش سئوالات امتحانی میان دانش آموزان، پیش از برگزاری امتحانات اعلام کرده است.

آزمون سراسری داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی روزهای دوم، سوم و چهارم تیرماه برگزار شد. طی سه روز هفته گذشته ۳۰۰ هزار تن از جوانان دیپلمه در سراسر کشور در جلسات امتحانی حاضر شدند تا شانس خود را برای ورود به مراحل بعدی "هفت خوان" راه یابی به دانشگاهها بیازمایند.

طبق توضیحات فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی ۶۰۰ هزار داوطلب در چهار گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی و هنر صبح و بعد از ظهر روزهای پنجشنبه، شنبه و یکشنبه با حضور در مراکز برگزاری امتحانات به سئوالات عمومی و اختصاصی گروه آزمایشی خود پاسخ دادند.

از مجموع داوطلبان کمتر از ۷۰ هزار نفر، یعنی ده درصد شرکت کنندگان، به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی راه خواهند یافت و سایرین به صفوف بیگاران و اهزام شوندگان به جبهه خواهند پیوست. برای دیپلمه های سال تحصیلی جاری که مشمول خدمت نظام وظیفه هستند، قبولی در آزمایش علمی و گذشتن از مراحل پنجگانه تحقیق حزب الله و راه یابی به دانشگاه تنها امکانی است که می تواند آمار از اهزام

تظاهرات ۴۵ هزار نفری
در استادیوم آزادی

روز ۱۴ خرداد در جریان بازی فوتبال تیم های پرسپولیس و بانک ملی در استادیوم صد هزار نفری آزادی، تظاهرات وسیعی در اعتراض به برکناری علی پروین چهره آشنای ورزش و مربی تیم پرسپولیس صورت گرفت. پروین دو هفته قبل از برگزاری بازی اخیر از سمت خود کناره گرفته شد.

آنچه در کلیشه زیر آمده است، گزارش سانسور شده تظاهرات ۴۵ هزار نفری در مطبوعات دولتی است.

در مسابقه بانک ملی و پروین چه گذشت؟

دبروز بخیر گذشت....!

بخش ورزشی
تیم فوتبال پروین قهرمان فصل گذشته تهران بدون بررسی سابق خود در استادیوم آزادی در مقابل تیم بانک ملی در حضور ۱۵۰۰ تماشاگر به میدان آمد. برگزاری بازی خرنگار ما تماشاگران نیز با پرتاب سنگ و دیگر اشیاء به داخل زمین حصوصاً نیمکت ذخیره های پروین اعتراض خود را در زمینه کنار گذاشتن "مربی سابق" پروین نشان می دادند. بطور کلی بازی در حوی نامساعد انجام شد. در دقیقه ۸ مسافه روی یک ترف بلند "سهراب هزانی" مدافع بانک ملی به اشتباه ترف با به درون دروازه خورد فرستاد!

در این مسافه نیم بانک ملی چند موفقیت گل داشت که «وحید فلیج» دروازه بان پروین هوشیار بود. اما بعلت حوسختن سنج ورزشگاه و اعتراض تماشاگران به تیم پروین سبب شد که داور مسافه را چند بار قطع کند! بهر صورت بهترین شانس تیم بانک ملی در اولین لحظات بود که یکی از مدافعان پروین روی «عبد نان زاهدی» مرتکب خطا شد که این می توانست یک ضربه پنالتی باشد که از چشم هادی دژفولی پنهان ماند! نکته ای که گفتنی است حرکت دبروز تماشاگران در ورزشگاه باید مورد بررسی سئوالات قرار گیرد و بررسی های شکر باقی است که مسله بخر گذشت.

از سرگیری فعالیت

سفارت آلمان فدرال در تهران

مسئولان سفارت آلمان فدرال در تهران، از هفته گذشته کار خود را از سر گرفتند. با بازگشایی سفارت و آغاز فعالیت آن، جنب و جوش تازه ای برای گرفتن ویزای خروج از کشور در میان متقاضیان ایجاد شده است. سفارت آلمان فدرال، یکی از سفارتخانه های پررفت و آمد ایرانیان در تهران است. کثرت مراجعین برای اخذ ویزا، زمینه مناسبی برای خرید و فروش نوبت اخذ ویزا توسط "کارچاق کن" های جمهوری اسلامی و آلمان شده است. از مراجعین این سفارتخانه گاه تا چند ده هزار تومان اخذ می شود.

سفارت آلمان فدرال و بسیاری از سفارتخانه های کشورهای دیگر، هنگام موشک باران و جنگ شهرها که از ۱۳۰ اسفند تا نیمه دوم فروردین ادامه داشت تعطیل شدند. همان زمان برخی از سفارتخانه ها برای ادامه فعالیت به کرج و مناطق اطراف انتقال یافتند.

بقیه از صفحه اول

فروشگاه روی آن جای چانه زدن نمی‌دید. با آمدن صاحب مغازه، سند خرید با همان قیمت توافق شده شماره خورد و... مشتری دیگری از راه رسید و چشمش که به همان اجاق گاز افتاد پرسید "اجاق گاز چند؟" صاحب فروشگاه که اسکناسهای درشت را از خریدار قبلی دریافت می‌کرد به سرعت و بدون لحظه‌ای مکث جواب داد "۱۶ هزار و پانصد تومان" خریدار قبلی شگفت زده مشتری تازه وارد و صاحب فروشگاه را نگرینست و چند لحظه منتظر رفتن مشتری جدید ماند و بعد... "دیروز، اجاق گاز ۱۵ هزار تومان بود، چطور امروز ۱۶ هزار و پانصد تومان شده...؟" صاحب فروشگاه گفت: "دیروز بازار بودم دیدم عمده فروشهای اجاق گاز را ۱۶ هزار تومان می‌دهند ۵۰۰ تومان هم که سود ماست پس قیمت امروز ۱۶ هزار و پانصد تومان می‌شود شما شانس آوردید که دیروز آمدید..."

تمام گزارش‌های مستقل و حتی گزارش‌های دولتی بر آن دلالت دارند که بهای کالاها در مقایسه با چند ماه قبل نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. گرانی برخی از کالاها تنها در مقطع زمانی چند ماهه اسفندماه تا خردادماه دو برابر شده است. با این همه ثباتی برای بهای کالاها نمی‌توان قائل شد. بنا به اعتراف حتی مطبوعات دولتی، بهای کالاها روز به روز افزایش می‌یابد.

حتی بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲۹ اردیبهشت ماه، "بهای کالاها در بازار ساعت به ساعت تغییر می‌کند." لیست کالاهای زیر و تفسیر بهای چند ماهه آن، تنها با استناد به مطبوعات سانسور زده تهیه شده است. این در حالی است که واقعیت گرانی کشور از این "اعترافات" بسی فراتر است.

* کشمش پلوئی قبل از هید کیلوئی ۴۰ تومان به فروش می‌رفت، الان کیلوئی ۷۰ تومان قیمت دارد، و کشمش سبز نیز که قبل از هید ۹۰ تومان بود الان کیلوئی ۱۲۰ تومان است. تا ۱۰ روز پیش یک مارک یخچال ۳۲ هزار تومان به فروش می‌رفت و در عرض ۱۰ روز همان مارک یخچال ۴۲ هزار تومان شد. - روزی هزار تومان -

طی سه ماهه فصل بهار در ایران بهای کالاها ۵۰ درصد گرانتر شد



سازند که سیاستهای پولی و مالی دولت در گرانی فزاینده و تورم لجام گسیخته نقش چندانی نداشته و هلال اصلی گرانی در مرزهای خارج از "حکومت مقدس" است. مسئولان حکومت و بویژه موسوی نخست وزیر رژیم می‌کوشند تا با براه انداختن "کیپ‌های تعزیرگر" و "گشت‌های ویژه" در زیر تبلیغات وسیع چنین وانمود سازند که دولت برای کنترل قیمت‌ها می‌کوشد ولی "تورویستهای اقتصادی" به گرانی دامن می‌زنند. همین چندی پیش میرزاده معاون نخست وزیر و رئیس کمیسیون مرکزی نظارت بر قیمت‌ها و کنترل تورم اعلام کرد که "مر تثبیت و کنترل قیمت‌ها در سال ۶۷ با قوت و شدت ادامه خواهد یافت." وی مدعی شد که "۶ هزار بازر در ۱۹۶ شهر امر کنترل راپیش خواهند برد." رژیم سرکوبگر مدعی است که گرانی راهم سرکوب خواهد کرد، ولی گرانی و این "تورویسم اقتصادی" خود محصول همین رژیم هستند. چنین می‌شود که چماق سرکوب تعزیرگران نه بر سر گرانفروشان اصلی، نه بر سر قوانین اقتصادی، که بر سر توزیع گران خرد، فرود می‌آید، ولی گرانی مدام پروار می‌شود. رئیس کمیسیون مرکزی نظارت بر قیمت‌ها و کنترل تورم، سخن از تداوم با قوت و شدت کنترل قیمت‌ها در سال ۶۷ می‌راند، بهار این سال که چنین بود، امان از خزان آن!

تومان است.
* گوشت آزاد کیلوئی ۱۸۰ الی ۲۵۰ تومان می‌باشد.
* مرغ آزاد کیلوئی ۱۳۰ تومان است.
* تخم مرغ شانهای بیش از ۱۳۰ تومان به فروش می‌رسد...
بر این نیست می‌توان کماکان افزود. بر اساس همین آمار و ارقام دولتی بهای کالاها تنها ظرف ۳ ماه - فروردین تا انتهای خردادماه - ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. مطبوعات دولتی و مسئولین مملکتی می‌خواهند چنین وانمود

* قبل از هید، یک سماور برقی ۷۰۰ تومان بود، بعد از هید همان سماور ۱۰۵۰ تومان.
* پیسته قبل از هید کیلوئی ۳۶۰ تومان بود، الان ۵۰۰ تومان است.
* انواع نامرغوب خمیر دندان از مرز ۷۰۰ تومان و ۱۲۰۰ تومان هم گذشته است.
* خرمای درجه یک قبل از هید کیلوئی ۷۰ تومان بود، حالا به مرز ۱۸۵ الی ۹۵ تومان رسیده است.
* پیغز گردو قبلا ۲۵۰ تومان بود و حالا کیلوئی ۳۲۰ تا ۳۵۰

منتشر شد:

از سری آموزشی "تئوری و تاکتیک جنبش بین‌المللی کمونیستی" کتاب "انقلاب سوسیالیستی به مثابه مرحله تعیین کننده انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم" نوشته و. و. زاگلا دین توسط انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتشر شد. در این کتاب مطالب زیر را می‌خوانید:

قوانین انقلاب سوسیالیستی

شرایح لازم جهت سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی

شرایح انقلاب به روزمند

شرایح انقلاب سوسیالیستی

قوانین انقلاب سوسیالیستی و شکل‌های خاص آن

انقلاب سوسیالیستی، مساله قدرت

مساله قدرت در انقلاب سوسیالیستی

دیکتاتوری پرولتاریا، مفهوم و اشکال آن

مراسل انتقالی در مبارزه با دیکتاتور پرولتاریا

اشکال انقلاب سوسیالیستی

نقش پایه کارگران مارکسیسم سلتینیم در مورد اشکال تسخیر قدرت

اشکال مختلف تسخیر قدرت در زمان کنونی

۵

تئوری و تاکتیک جنبش بین‌المللی کمونیستی

انقلاب سوسیالیستی

به مثابه مرحله تعیین کننده انتقال

از سرمایه‌داری به سوسیالیسم

یاد شهدای ۸ تیر جاودانه است

سرخی از حماسه پویایی در ابعادی توده‌ای کهنیت بخش یک واژه شد. واژه فدایی با طنینی فرورانگیز.

این هويت اکنون در نبرد بارزیم جنایتکار جمهوری اسلامی با حماسه آفرینی قهرمانانی چون تابان، زکی پورو انوشیروان لطفی پاسداری می‌شود. این زمان نیز دشمن با تمام توان خویش می‌کوشد سازمان ما را به نابودی کشاند اما پایه اجتماعی جنبش فدایی بمثابة سرمایه ارجمند جنبش کمونیستی ایران تکامل ایدئولوژیک سیاسی سازمان و تداوم آن قهرمانی‌ها و حماسه‌ها در همه هر صدهای نبرد از هم اکنون شکست جمهوری اسلامی و همه دشمنان طبقاتی را نوید می‌دهد.

در دوازدهمین سالگرد ۸ تیر، روز شهیدان فدایی یادرفیق کبیر حمید اشرف و همه شهیدان فدائی را گرامی می‌داریم و "به آن ایمان و عشقی که سر منشا قهرمانی‌های فدائیان و همه مبارزین خلق است ارج می‌نیمیم و در برابر هزم و اراده‌ای که پس از ضربات ۸ تیر، سازمان مارا پا بر جا نگاه داشت سر تعظیم فرود می‌آریم."

حسینی برده بارزم جانبازانه و با ایثار جان خود ایمان بی‌کران به آرمان و پیمان استوار با خلق خویش را به اثبات رساندند.

دشمن همه جا نعره شادی برکشید. در صفحات روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون، در شکنجه‌گاه‌ها و... حمید اشرف کابوس همیشگی بازجویان ساواک کشته شده بود. دشمن با انتشار بزرگترین تیترها در روزنامه‌های خود پیروزی خود را جشن گرفت: "حمید اشرف کشته شد".

"در یک درگیری در مهرآباد جنوبی، ستاد مرکزی کمونیستهای ایران متلاشی شد".

قلب فدائیان خلق نیز به سختی فشرده شد. ضم جانگاہ و ضربه همیق بود. ستون فقرات سازمان در هم شکسته و رهبر قهرمان و پویا و دلور آن، رفیق حمید اشرف از دست رفته بود.

اما سازمان و جنبش فدائی ریشه داشت. ریشه‌هایی تنومند و برنا. فدائیان قامت افراشتند، برنا و برناتر شدند و آن زمان که نیروی توفنده خلق بنیاد رژیم ستمشاهی را بر می‌انداخت، جنبش فدایی به نیرویی ریشه‌دار در وسیعترین بخش‌های جامعه فرا روئید. قهرمانی‌ها، جانبازی‌ها و پایداری‌ها و خط

تابستان خونین و تب‌آلود سال ۱۳۵۵، گرازهای شاه با پوزه‌های خونین خود همه جا را برای شکار انقلابیون فدایی می‌کاوند. ترندهای امنیتی دشمن نمره شوم و تنگین و خیانتبار خود را ببار آورده است. مزدوران رژیم وابسته موفق می‌شوند باردیابی شبکه تلفنی، به خانه‌های امن سازمان دست یابند. یورش و کشتار آغاز می‌شود. هر روز روزنامه‌های رژیم از کشتار جمعی از فدائیان جان بر کف خلق و از مقاومت دلورانه آنان خبر می‌دهند. روز شوم ۸ تیر فرا می‌رسد. شوم‌ترین و هولناک‌ترین روز در زندگی فدائیان خلق.

محل اجلاس فوق‌العاده رهبری سازمان در خانه‌ای در محله مهرآباد جنوبی مورد یورش سنگ‌های شاه مزدور قرار می‌گیرد. علاوه بر رفیق قهرمان حمید اشرف تمامی دیگر اعضای رهبری و مسئولین اصلی نیز در نبرد قهرمانانه به شهادت می‌رسند. رفقا: حمید اشرف، یوسف تانع خفکه بیجاری، محمدرضا یثربی، محمد حسین حق‌نواز، علی اکبر وزیر، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوqانی، غلامعلی خراطپور و مسگر

حاطره‌های از روزهای سخت

این بود که بازوهای دشمن در حیات پایگاه منفجر شده است. چون در درگیری مهرآباد جنوبی هم از بازو کا استفاده کرده بودند. همه از جا پریدیم. بارها این لحظه را تمرین کرده بودیم آتش زدن "صفر" و "دو صفر" برداشتن سلاحهای اضافی و سنگرگیری. هر کسی در جای خودش.

اولین کسی که از اطاق بیرون رفت حسن بود بعد علی و نیلا. من و فاطمه باید مدارک را آتش می‌زدیم لحظه‌ای بعد صدای حسن آمد که: "دست نگهدارید!"

و بعد... هادی را آوردند. صورت و دستهایش تماما خونین بود و چشمهایش، از چشمهایش خون می‌آمد.

نارنجک با باقیمانده محتویاتش در دستهای هادی منفجر شده بود. هیچ کس فکر نکرد چرا، فرصت نبود. هادی باید درمان می‌شد و پایگاه را باید قبل از این که خبر به ساواک برسد تخلیه می‌کردیم. من پرده اطاق را کشیدم و به طرف جعبه کمک‌های اولیه خیز برداشتم.

دست راست هادی متلاشی شده بود و چشمش، چشمش حوضچه‌ای از خون بود. دندانهایش را روی هم می‌فشرده و طوری که به زحمت می‌شد تشخیص داد می‌گفت:

پیچریک نارنجکش را که گفته شده بود، تعویض می‌کرد. هادی خودش استادکار بود. می‌دانست که اسید پیچریک را چگونه آب کند، آنرا خالی کند، اسید جدید بریزد، ماسوره را آهسته سر جایش بگذارد. همه را به گونه‌ای انجام دهد که نارنجک منفجر نشود. و تازه هلی (رفیق کیومرث سنجر) هم آنجا بود. هلی استاد مواد منفجره و بمب اعلامیه پخش‌کن بود. او خود به تنهایی اسید پیچریک‌ها را تولید کرده بود. بیماری‌اش هم از تنفس هوای آفشته به بخار اسید پیچریک آغاز شده بود. جای هیچ نگرانی نبود. هادی نارنجکش را با احتیاط کامل روی چراغی که تا حد ممکن فتیله‌اش پایین کشیده شده بود گذاشت و به جمع ما پیوست.

صحبت ما داشت کم کم گرم می‌شد و نارنجک روی چراغ هم، هادی هر چند وقت یک بار بر می‌خاست و به چراغ سر می‌زد حتی مقدار زیادی از محتویات نارنجک را هم خالی کرد. فقط اندکی از آن باقی مانده بود.

آخرین بار که هادی برای خالی کردن باقیمانده اسید پیچریک به ایوان رفته بود. صدای انفجار شدیدی بر خاست.

اولین فکری که از ذهنم گذشت

برنامه روزانه یعنی مسئولیت پایگاه را داشت و هم تمیز کردن خانه، آشپزی، شستن ظرف‌ها و... با او بود. هر رفیق می‌بایست طبق برنامه‌ای که از شب قبل تنظیم شده و روی دیوار نصب شده بود، کارهایش را در تمام ساعات روز انجام می‌داد.

ساعتی از روز گذشته بود که زنگ خانه به صدا درآمد. این بار خلاف همیشه مساله خیلی هادی تلقی شد چون همه ما منتظر رفیق حسن بودیم که از شعری دیگر به دیدار ما می‌آمد.

رفیق فاطمه که ظاهر زن جا افتاده‌ای را داشت و نقش خانم خانه را بازی می‌کرد در راه روی رفیق حسن باز کرد. صدای گرم حسن در پیچید: "رفقا سلام، خسته نباشید" در آن روزهای سخت نمی‌دانم در صدا و چهره مردانه، صمیمانه و خندانش چه نهفته بود که تنها حضور و شنیدن صدایش به همه گرمی و قوت می‌داد. همه گردش حلقه زدیم. "چه خبر رفیق؟ ضربه دیگری نداشتیم؟ همه سالمند؟"

هادی (اصد) هلامیان (نگرودی) از توی ایوان آهسته صدازد: "یک دقیقه صبر کنید. من هم الان می‌آم" هادی داشت اسید

در نیمه اول تیر ماه سال ۱۳۵۵ ساواک شاه، به دنبال تدارکات دراز مدت خود، یورش سباعانه‌ای را به سازمان ما به انجام رساند. مزدوران رژیم شاه تقریباً تمامی خانه‌های تیمی و پناهگاه‌ها را مورد شناسایی قرار داده بودند. بسیاری از رفقا برای گریز از تور و تیر دشمن، پایگاه‌های خود را تخلیه کردند. هیچ تضمینی برای ناشناخته ماندن خانه‌ها وجود نداشت.

خاطره زیر مربوط به انفجار یک نارنجک دستی در تنها پایگاه سالم سازمان در تهران است، در آن روزهای سخت:

"صبح زود، ساعت پنج، طبق برنامه همه روزه با صدای نگهبان شب از خواب برخاستیم و بعد از ورزش صبحگاهی دور هم به صبحانه نشستیم. هادی با آن چش بزرگ و نگاه معصومش در کنار لیلا با آن بدن کوچک و نگاه نافذ هشیارش و علی، هلی صمیمی و دوست داشتنی که به هلت بیماری‌های مکرر چهره‌ای سخت خسته، اما سخت مهربان داشت و فاطمه، فاطمه سخت کوش با چهره جدی و آمرانه‌اش همه دور صحنه نشسته بودیم.

"مسئول روز" من بودم. مسئول روز، هم مسئولیت پیشبرد



ترکیه: نظاره گریک محاکمه

هدالتخواهی است که محاکمه می‌شود. ترکیه، که از ماهها پیش شاهد گسترش مبارزه برای دمکراسی و تشدید مبارزات جنبش کارگری است، نظاره‌گر محاکمه‌ای است که به محاکمه رژیم دیکتاتوری تبدیل خواهد شد.

دو هزار کارگر در آنکارا، استانبول و آدانا همزمان با محاکمه

حیدر کوتلو در دادگاه:

ما به خاطر انکارمان محاکمه می‌شویم. ۷ ماه است که منتظر این لحظه‌ایم. روزنامه‌نگاران را به جلسه محاکمه راه نداده‌اند. من خواستار هلی‌بودن محاکمه‌ام.

برای دستیابی به خواستهای صغنی دست به اعتصاب و کم‌کاری زده‌اند. شاید این هم زمانی، تصادفی باشد، اما آن را باید به فال نیک گرفت: طبقه کارگر، حضور نیرومند خود را در صحنه پیکار طبقاتی اعلام می‌کند، چه با سلاح اعتصاب و چه با ایستادگی رهبران کمونیستها در برابر سازمانگران یک محاکمه فرمایشی.



صدها نفر در حمایت از کوتلو و سارگین در برابر ساختمان دادگاه گرد آمدند.

جمعه ۲۷ خرداد (۱۷ ژوئن)، روز دوم محاکمه حیدر کوتلو و نیهات سارگین رهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه بود. تا این روز، شمار وکلای مدافع کوتلو و سارگین تقریباً به ۵۰۰ نفر رسید، اما دادگاه‌کماکان در سالنی تشکیل شد که تنها گنجایش ۱۵۰ تن را دارد. در روز دوم محاکمه تا دوشنبه ۱۳ تیر (۴ ژوئیه) به تعویق افتاد.

از همان نخستین ساعات روز دوم محاکمه، صدها نفر در برابر ساختمان محل برگزاری محاکمه گرد آمدند. پلیس ساختمان را محاصره کرده بود. مهمت هلی آبیان، دبیرکل پیشین حزب کارگر ترکیه، میکیس تئودوراکیس آهنگساز یونانی و زلفولیواتلی خواننده و نویسنده مشهور ترکیه که به صورت ناظر کار این دادگاه را پیگیری می‌کنند، در دادگاه حضور یافتند.

کوتلو و سارگین همراه با ۱۹ تن دیگر، بر صندلی متهمان محاکمه آنکارا نشستند. اما در حقیقت، این آزاداندیشی و

می‌کردیم، باورمان نمی‌شد. ماجرای پریموس داشت جا می‌افتاد. هنرنمایی لایلا مسئله پریموس را در ذهن همه تثبیت کرده بود. پرس و جوها شروع شد اما همه در اطراف پریموس دور می‌زد.

یکی از همسایه‌ها که جواب سئوالش را گرفته بود وقتی داشت از در حیاط بیرون می‌رفت به نفر دیگری که داشت داخل می‌شد گفت: "پریموس ترکیده بابا، خبری نیست." و هر دو خارج شدند. هنرنمایی لایلا کار خودش را کرده بود؛ و این به این معنی بود که ما می‌توانستیم پایگاه را تخلیه نکنیم. به معجزه بیشتر شبیه بود. تا بحال اتفاق افتاده بود که شلیک سموی بشود و پایگاه را تخلیه نکنیم ولی انفجار نارنجک هرگز این محال به نظر می‌رسید. فاطمه سرکوپه رفت تا اوضاع را چک کند و خوشحال برگشت که خبری نیست. باورمان نمی‌شد.

هادی قدری آرامتر شده بود. مرفین کم کم اثر خودش را می‌بخشید. باید در مورد پایگاه تصمیم می‌گرفتیم. هدم رضایت به تخلیه در چهره همه نمایان بود. حسن گفت: "می‌مانیم. تا عصر می‌مانیم و بعد دوباره تصمیم می‌گیریم. فعلاً باید هادی را هر طور شده به دکتر برسانیم."

من دست و صورت هادی را کاملاً باندپیچی کرده بودم اما خون مدام از زیر باندها بیرون می‌زد. هادی را باید به بیمارستان می‌رساندیم. هلی و حسن روی موتور نشستند و هادی را میان خودشان نشانند. فاطمه کوچه را می‌پائید. هادی با اصرار زیاد حاضر شده بود سلاحش را باز کند اما قرص سیانوروش را همان‌طور در همان حال نیمه بیهوشی با همه خطراتش زیر زبان نگاهداشت. فاطمه در یک لحظه مناسب سلامت داد. هلی موتور را روشن کرد و آنها از خانه دور شدند.

حسن و هلی نزدیکی‌های فریب برگشتند. هادی تحت معالجه قرار گرفته بود و دکتر پس از شنیدن ماجرای پریموس گفته بود که خطر بزرگی از سر هادی گذشته و قول داده بود که استخوانهای شکسته دستش را جا بیاورد و هم تکه فلز پریموس را از توی چشمش خارج کند...

"مثل شکنجه است، مثل شکنجه‌ست."

با هر زحمتی بود انگشتهایش را یکی یکی باندپیچی کردم، انگشت که نه لخته‌ای از خون و جراحت. مرتب زیر لب می‌گفت: "مثل شکنجه‌ست، مثل شکنجه‌ست."

جرات نمی‌کردم به چشمش دست بزنم، فقط با آب گرم خونها و تکه‌های خرد شده نارنجک را از اطراف چشمش پاک می‌کردم. همه دور ما ایستاده بودند. هلی یک آمپول قوی مرفین از جعبه کمکهای اولیه آورد و به هادی تزریق کرد و بعد با فاطمه و لایلا رفتند تا اوضاع را برای تخلیه خانه آماده کنند. زنگ در پایگاه همه ما را نیم خیز کرد. فاطمه و لایلا به طرف در دویدند و همی‌طور سر راه هر کجا از تکه‌های نارنجک که می‌دیدند بر می‌داشتند و توی جیبهایشان می‌گذاشتند. ما از لای پرده بیرون را نگاه می‌کردیم از پشت در صدای همهمه می‌آمد، همسایه‌ها بودند که می‌خواستند بدانند چه خبر شده است. لایلا برگشت و چراغ پریموس را که کنار چراغ نفتی بود برداشت و محکم به زمین کوفت. فاطمه در را باز کرد و بعد این صدای لیژ بود که حیاط را پر کرد: "مگه من پریروز نگفتم که این پریموس خرابه‌ها؟ پریروز نگفتم زن داداش؟ و بعد رو کرد به همسایه‌ها که حالا دیگر تقریباً همه توی حیاط ایستاده بودند و گفت:

این پریموس زهرماری بود. خودم پریروز به زن داداشم گفته بودم که دبنگه اینوروشن نکنه، مگه نه زن داداش، نگفته بودم؟" و خودش جواب داد: "گفته بودم، گفته بودم." لایلا یکبار دیگر پریموس را برداشت و محکم زمین کوفت. حالا پریموس واقعا به یک پریموس منجر شده میمانست. و باز صدای لایلا: "چه روز نصی بود اینو خریدیم. زهرم آب شد. چه صدایی هم داشت و امونده. آخ زهرم رفت، آخ زهرم رفت."

لایلا امان نمی‌داد، سئوال می‌کرد، خودش جواب می‌داد. مدام نقش بازی می‌کرد. مثل یک هنرپیشه تمام هیار! یکی از همسایه‌ها به فاطمه گفت: خواهر یک کم گل گاوزبون براش دم کن، یک کم نمک هم بزنین سر بزنتون خوبه."

ما از لای پرده داشتیم تماشا

۸ تیر، روز شهیدان فدایی گرامی باد!

حقوق بشر که پس از پیروزی بر دیکتاتوری هیتلر در سراسر جهان اعتبار یافت، باید در ایران نیز رعایت شود.
ما انتظار داریم و امیدواریم این سخنان گوش شنوا داشته باشد
اینگزیدشوستر

از پیام حزب کمونیست ترکیه لطفی در قلب ماجادار

رفقای عزیز!
ما اهدام رفیق انوشیروان لطفی را توسط رژیم جنایتکار خمینی شدیداً محکوم می‌نماییم. رفیق لطفی یک سبیل مقاومت و مبارزه در راه آزادی و دموکراسی بود. خلق ما و حزب ما این رفیق را بخاطر شخصیت برجسته اش می‌شناخت. وی در قلوب ما جای برجسته‌ای دارد.
این جنایت و سایر جنایات نخواهند توانست رژیم خمینی را که مورد حمایت سرمایه‌های فرامیلتی و بورژوازی بزرگ و بزرگ مالکان و جمیع ضد کمونیست‌ها می‌باشد، پابر جانگهدار د.
آنها قادر نخواهند بود در مقابل مبارزه مردم و کمونیست‌های ایرانی مقاومت نمایند...
ما یک بار دیگر حمایت نیروهای دموکراتیک و مترقی کشورمان و حزب کمونیست ترکیه را از سازمان شما اعلام می‌داریم.

مرگ بر خمینی
خلق ایران پیروز خواهد شد
بنام حزب کمونیست ترکیه - ر. ک. رال

حزب کمونیست شیلی:

همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

خلق شیلی هلاته‌مند است تا از طریق حزبش، حزب کمونیست شیلی، بهترین دروهای رزمنده و همبستگی خود را به تمام زندانیان سیاسی ایران اعلام کند و بر قصد بازگشت ناپذیر خود در جهت ادامه مبارزه علیه حقوق پایمال شده خلتهای تحت ستم امپریالیسم مجدد تاکید نماید.
خلتهای متحد ایران و شیلی هرگز شکست نخواهد خورد.

حزب کمونیست شیلی - ۹ ژوئن ۱۹۸۸

پیام حزب کمونیست پرو:

لطفی سبیل مبارزه

با فمی همیق از اهدام رفیق انوشیروان لطفی توسط رژیم خوان آشام خمینی مطلع شدیم. لطفی سبیل مبارزه در دوران شاه بود که مدت ۵ سال را در زندان‌های جمهوری اسلامی گذراند. در فم بزرگ شما و ما، به شما می‌گوییم:

پیوسته به سوی پیروزی
خلق متحد ایران هرگز شکست نخواهد خورد
تیلکس کوبیان - سزار - مسئول فرانسه حزب کمونیست پرو

پیام حزب استقلال و کار سنگال (فدراسیون فرانسه)

با انزجار، نفرت و هم همیق از خبر اهدام رفیق لطفی مطلع شدیم تمامی اعضای فدراسیون فرانسه حزب ما شدیداً و قویاً این اهدام جنایتکارانه را محکوم می‌کنند. و در مقابل قربانیان ترور و ارتجاع ایران سر تعظیم فرود می‌آورند.

همه اعضای حزب حمایت بیدریغ خود را از سازمان شما اعلام می‌دارند و برای پیروزی ایده آل شریف شما در راه آزادی و عدالت اجتماعی آرزوی موفقیت می‌نمایند

منشی اجرایی حزب استقلال و کار سنگال
فدراسیون فرانسه

کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث. ژ. ت.):

ما محکوم می‌کنیم

کنفدراسیون عمومی کار (ث. ژ. ت.) بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه به سفیر جمهوری اسلامی در فرانسه:
آقای سفیر

بدینوسیله از شما می‌خواهیم که انزجار برانگیخته شده در بین کارگران فرانسه از اهدام‌های جدیدی که در مورد دگراندیشان در زندان‌ها صورت گرفته است را فوراً به دولت خود اعلام نمایید.
همچنین ث. ژ. ت. اهدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کند.
ث. ژ. ت. از دولت شما می‌خواهد که خود را با قوانین بین‌المللی درباره احترام به حقوق بشر تطبیق دهد و احترام به مقام انسان را رعایت نماید.
قطع فوری شکنجه و بد رفتاری‌های غیر قابل توصیفی که زندانیان سیاسی در کشور شما قربانی آنها هستند و همچنین آزادی بی‌درنگ همه مخالفین دیکتاتوری خون‌آشام که به مردم ایران تحمیل شده است، خواست ما است...

ژوانه‌گلان

دبیر کنفدراسیون عمومی کار (ث. ژ. ت.)

از نامه ارسالی از طرف فدراسیون حزب کمونیست

فرانسه (ناحیه بورش‌دورن) به

سرکنسولگری جمهوری اسلامی در پاریس

انوشیروان لطفی بمره دو رزمنده دیگر جمعه گذشته اهدام شده است. بار دیگر اهدام زندانیان سیاسی در ایران به مورد اجرا گذاشته شده است.
ما قویاً این جنایات را محکوم می‌کنیم...
ما فریاد خود را علیه چنین اعمالی بلند می‌کنیم.

فدراسیون ح. ک. ف. (بوش‌دورن)

- ۱- گی هر میه نماینده مجلس نمایندگان - عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه و مسئول فدراسیون بوش‌دورن
- ۲- و انسان پورلی نماینده مجلس
- ۳- لولوی می‌نتی سناتور استان
- ۴- پیل لم بار دشهر دار شهر مارتیگ
- ۵- موریس گیوشهر دار آنان بر
- ۶- روزه میه شهر دار گردان
- ۷- ژان تاردیتو شهر دار او باین

جمعیت تعقیب شدگان رژیم نازی

- اتحادیه ضد فاشیست‌ها کمیته مرکزی:

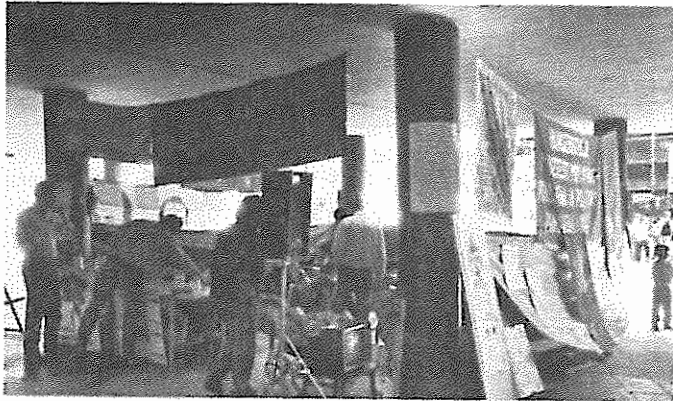
از این اقدامات منزعجریم

سفیر جمهوری اسلامی ایران - بن
آقای سفیر،

در مطبوعات آمده است که در پایان ماه مه باریگر سه سیاستمدار اپوزیسیون، اعضای فدائیان خلق، مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیست‌ها، اهدام شدند. یکی از اهدام شدگان، انوشیروان لطفی، در زمان رژیم شاه نیز به علت فعالیت دموکراتیک مقاومت سالها در زندان بود.

ما از این اقدام ضد بشری شدیداً منزعجریم
ما بعنوان یک سازمان ضد فاشیستی که به مسائل قربانیان ددمنشی هیتلری می‌پردازیم و میراث آنان را پاس می‌دارد، از دولت کشور شما می‌خواهیم:
به شکنجه و اهدام‌ها در زندان‌ها پایان دهید و زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

اخباری از حرکت‌های اعتراضی فدائیان علیه اعدام قهرمان ملی رفیق انوشیروان لطفی



اهتصاب، حمایت خود را از پیکار
خستگی‌ناپذیر فدائیان خلق اعلام
داشتند.

احزاب و سازمانهای زیر با
ارسال پیام به اهتصاب کنندگان،
همبستگی خود را با آنان بیان
کردند:

- حزب کمونیست چپ سوئد
- حزب کمونیست کارگری سوئد
- حزب کمونیست فلسطین - سوئد
- حزب کمونیست شیلی - سوئد
- حزب کمونیست ترکیه - سوئد
- حزب کمونیست پاراگوئه - سوئد
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - سوئد
- حزب سوسیالیست پاکستان - سوئد

* * *

برگزار گردید. نمایندگان حزب
سوسیالیست چپ دانمارک، حزب
سوسیالیست مردمی دانمارک،
حزب کمونیست دانمارک، حزب
سوسیالیست شیلی، حزب
کمونیست ترکیه و گروهی از
مواداران حزب توده ایران و
ممچنین تعدادی از هموطنان
آزادیخواه ما با شرکت در
این مراسم پایمردی و دلاوری
حماسی انوش قهرمان راستودند.

* * *

این تظاهرات با فریاد شعارهایی
چون: "زندانی سیاسی آزاد
باید گردد"، "مرگ بر خمینی"،
"ای جلاد ننگ باد، ای جلاد مرگت
باد" خشم و نفرت خود را از اعدام
وحشیانه رفیق انوشیروان لطفی
بقیه در صفحه ۱۱

سوئد: بمنظور ابراز انزجار از
اعدام فرزند دلیر مردم ایران
انوشیروان لطفی، از روز جمعه
۱۷ ژوئن تا روز یکشنبه ۱۹ ژوئن
قریب ۴۰ تن از فدائیان خلق دست
به اهتصاب فذایی در شهر استکهلم
زدند. محل برگزاری اهتصاب
میدان اصلی شهر بود. در طول
مدت اهتصاب تعداد کثیری از
شهروندان سوئدی با مضای متنی
در محکومیت جنایت رژیم
خمینی، به ابراز همدردی با
اهتصابگران و اعلام نفرت از
ارتجاع حاکم بر ایران پرداختند.
علاوه بر این تعداد زیادی از
هموطنان مهاجر با حضور در محل
اهتصاب و گفتگو با مسئولین

دانمارک: در تاریخ ۲۳ خرداد
(۱۳ ژوئن) فدائیان خلق در شهر
آرهوس دانمارک با برپایی
تظاهرات ایستاده در میدان
مرکزی شهر، اعدام قهرمان ملی
انوشیروان لطفی را محکوم
کرده، دست به افشاکگری علیه
رژیم ترور و اختناق جمهوری
اسلامی زدند.
بدنبال این تظاهرات، از سوی
فدائیان خلق جلسهای به منظور
بزرگداشت انوشیروان لطفی

بلژیک: روز چهارشنبه ۲۵
خرداد برابر با ۱۵ ژوئن تظاهرات
ایستاده‌ای به دعوت فدائیان خلق
ایران (اکثریت) - بلژیک، مقابل
سفارت جمهوری اسلامی در
بروکسل برگزار گردید.
شرکت کنندگان در

بخشی از پیام حزب کمونیست لبنان (مواداران فرانسه)

رفقا!

ما خبر اعدام انوشیروان لطفی با احساساتی مملو از انزجار و درد توام با
خشم هریاقت داشتیم. قبل از هر چیز باید سؤال کرد که پیام رژیم خمینی در
ارتکاب چنین جنایت ننگینی چیست؟ چه توضیحی باید به این عمل
بربرمنشانه رژیم حاکم در ایران که در موقعیت بسیار دشواری قرار دارد
داد. هیچگونه شکی وجود ندارد، این پیام قبل از هر چیز سیاسی است.
خصوصت ضد کمونیستی رژیم هیچگاه به شدت کنونی با توجه به شکستهای
همه جانبه‌اش نبوده است.

معنی خبر اعدام رفیق لطفی زمانی آشکار می‌شود که همزمان حکم
محکومیت رفیق انوریاسیم توسط اشغالگران اسرائیل بمدت ۳۰ سال صادر
می‌گردد.

باید مبارزهای در سطح بین‌المللی برای محکوم نمودن جنایت رژیم خمینی
در مورد فرزند قهرمان خلق ایران و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و
ممچنین لغو حکم رفیق ما انجام پذیرد.

حزب کمونیست لبنان (مواداران فرانسه)

نامه اعتراضی "حقوق بشر جدید"

پاریس ۸ ژوئن ۸۸

آقای سفیر ...

... ما از خبر اعدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیات سیاسی سازمان
فدائیان خلق (اکثریت) مطلع شدیم.

این عمل که یک جنایت واقعی است ما را اهمیتقا متأثر و منزجر کرده است،
ممچنانکه این عمل هر کشوری را که پایبند به دفاع از حقوق بشر است متأثر و
منزجر می‌کند. رژیم ایران در فنانتیسیم ایدئولوژیکی و مذهبی‌اش لااقل
می‌داند که این حقوق وجود دارند، حقوقی که همه روزه توسط این رژیم در
بنیادی‌ترین و جوه‌اش بدون شرم و ندامت پایمال می‌شوند!

بعلاوه توجه کامل ما به روشی که شما در رابطه با سازمان مدافع
زندانیان سیاسی اتخاذ می‌کنید جلب شده است زیرا که نام سازمان ما و شخص
رئیس آن بنام "پیر برسی" در لیست اشخاصی که می‌بایست ترور می‌شدند
در اختیار گرجی ... قرار داشته است.

پیر برسی

رئیس حقوق بشر جدید

کمیته فرانسه کلمبیا برای دفاع از حقوق بشر

پاریس، ۹ ژوئن ۸۸
سفارت جمهوری اسلامی

آقا،

ما با تأثر زیاد از خبر اعدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیات سیاسی
سازمان فدائیان خلق (اکثریت) که بعد از ۵ سال اسارت به همراه دو تن
از مبارزین عضو سازمان مجاهدین و اتحادیه کمونیستهای ایران در تاریخ
۲۷ مه گذشته به جوخه اعدام سپرده شدند مطلع شدیم.

این اعمال و روش‌های مغایر منشور بین‌الملل حقوق بشر و روح متعطفانه
و احترام که باید فعالیت‌های سیاسی را هدایت نماید، بدرستی انزجار تمامی
سازمانهای بشر دوستانه را در سرتاسر جهان برانگیخته است. کمیته ما برای
دفاع از حقوق بشر به این اعتراضات بین‌المللی ملحق می‌گردد و خواهان قطع
فوری این اعمال غیر انسانی و آزادی تمامی زندانیان سیاسی است ...

ا. دژن

نایب رئیس

سخن روز

آیت الله مشکینی در نماز جمعه قم:

برای رفع فائله جنگ، بایستی همه وزراء، همه کار و زارخانه‌های خود را متوجه مسئله جنگ کنند و کار اصلی وزارتخانه را مطلب جنبی بدانند یعنی همه وزارتخانه‌ها وزارت جنگ شوند زیرا امروز ما با تمام دنیا می‌جنگیم و خواهیم جنگید.

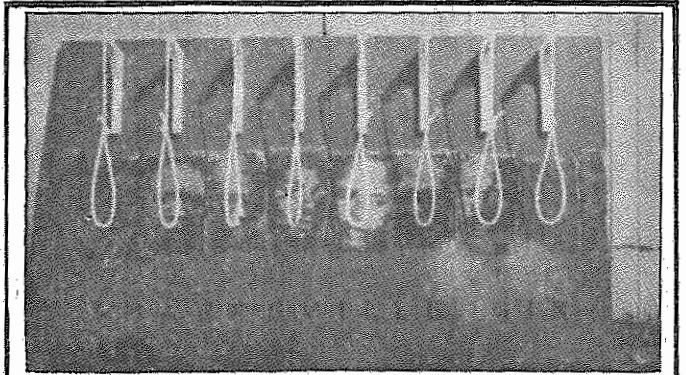
از: رسالت ۱۴ خرداد ۱۳۶۷

جمهوری اسلامی

ترکیه!

در یک دانشگاه استانبول، بخش رقصهای محلی را تعطیل کرده‌اند. در این دانشگاه مسجیدی با صرف بودجه‌ای چند میلیونی ساخته‌اند و می‌گویند سروصدای رقص، نمازگزاران را ناراحت می‌کند. در همین دانشگاه، اتاق شطرنج را هم تعطیل کرده‌اند.

دیکتاتوری ترکیه، از هم‌تایان ایرانی خود درس اسلام پناهی گرفته است.



جان شش محکوم به اعدام در آفریقای جنوبی همچنان در خطر است. وکلای مدافع "شش محکوم شارپویل" اعلام کردند برای جلوگیری از قتل این میهن پرستان، کماکان اعمال فشار بر رژیم آپارتاید از سوی محافل بین‌المللی ضرورت دارد. عکس، کار یک هنرمند آلمانی را نشان می‌دهد که در کارزار بین‌المللی در دفاع از جان شش میهن پرست آفریقای جنوبی شرکت دارد.

بداند: "چنین بوده، اما چنین نخواهد ماند!"

مزین نسین

همه استمارگران، انگلها و فریبکاران، که با شعار "چنین بوده و چنین خواهد بود" زندگی می‌کنند، و همه فریب‌خوردگان

والله ما نبودیم!

ولیعهد خمینی بعد از مدت‌ها سکوت، باز نطقش گرفته و ظاهراً بیماری خلیفه، او را بفرق انداخته است که سری میان سرها کند. "فقیه هالیتقدر" که از فلاکت اقتصادی، از شکست در جنگ، از درماندگی در همه هرصه‌ها به خوبی آگاه است، بگونه‌ای ابلاغیه خواسته است بگوید "والله ما نبودیم!" او در دیداری در قم گفت: "حکومت کردن هدف ما نبود مردم می‌خواستند." منتظری افزوده است: "این انقلاب از روز اول بر اساس تغییر یک سری ارزشهای الهی و معنوی بوده نه بر اساس تغییر یک حکومت به حکومت دیگر."

(رسالت ۱۷ خرداد)

عدالت اجتماعی

به سبک غربی

در آلمان فدرال مدتی است که بحث درباره قانون اصلاح نظام مالیاتی این کشور، بالا گرفته است. دولت دست راستی ملموت کول با قانونی که اخیراً از پارلمان گذراند، اخذ مالیات از اقشار مرفه و ثروتمندان را کاهش و در مقابل، مالیات بر دخانیات، مالیات مواد سوختی و چند مورد دیگر را که به همه مردم مربوط می‌شود، افزایش داد. کارشناسان محاسبه کرده‌اند که افزایش مالیات دخانیات و مواد سوختی و چند قلم دیگر، در مجموعه سالیانه بیش از ۳۰ میلیارد مارک مخارج اضافی برای مردم آلمان فدرال ایجاد خواهد کرد.

در حالی که دولت بن دستش برای گرفتن ۳۰ میلیارد مارک دیگر به جیب همه مردم، از بیکاران گرفته تا شافلین، دراز شده، صاحبان هواپیماهای خصوصی از یک بخشو دگی بی‌سابقه مالیاتی برخوردار شدند. این حضرات از این پس مالیات سوخت هواپیما نخواهند پرداخت. بدین ترتیب سوخت وسیله نقلیه "محقر" آنها حداقل ۲۰ تا ۳۰ درصد ارزان‌تر خواهد شد. جالب اینجاست که یکی از سرسخت‌ترین مدافعان این بخشودگی مالیاتی، فرانتس یوزف اشتراوس رهبر حزب دست راستی سوسیال مسیحی است که خود، با هواپیمای خصوصی‌اش رفت و آمد می‌کند و علاقه زیادی به ظاهر شدن بر صحنه تلویزیون در هیات خلبان این هواپیما دارد.

سوسک دانه‌ای ۲۲ تومان!

نوشته‌اند، باورش دشوار است ولی دشوارتر از باور حکومت دهساله جهل و خرافه نیست. مدرک روشن گرانی سوسک در ایران، کیهان دولتی ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری است. در گزارش روز کیهان یاد شده آمده است: "با این قیمت‌هایی که این حشره‌کش‌ها دارند کشتن هر سوسک، برای مردم ۲۲ تومن تمام می‌شود!..." حالا خودتان قضاوت کنید که مردم میهن چه می‌کنند!

از گرانی بسی سخن رفته است، در وصف احوال و هلال آن، ولی گرانی سوسک هم از آن حرف‌هاست. اما مگر حساب و کتاب رژیم فقها، جلگی از "آن حرف‌ها" نیست که این یکی نباشد. بعد از گرانی سرسام‌آور ارزاق، این بار نوبت گرانی سوسک است. آنهم نه یک زار و دوزار، که ۲۲ تومن. بله، سوسک هم رسید به دانه‌ای ۲۲ تومن. خبرش هم من‌درآوردی نیست، "شایعه ضد انقلاب" هم نیست. تو مطبوعات خود رژیم



محروم از مسکن، محروم از بهداشت، محروم از غذا... اینجا نه گوشه‌ای از جهان سوم، که مرکز شهر برلین غربی است.



با کشورم

چه رفته است

رژیم نقما در روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۵ انقلابی نامدار، هنرمند مردمی سعید سلطانیپور را به جوخه اعدام سپرد. در هفتمین سالگرد این جنایت، با درج سروده ای از سعید سلطانیپور، یاد او را گرامی می داریم و از پایداری او در ستیز با دشمنان مردم در راه آرمانهای انقلابی، الهام می گیریم

و قلب عاشقان زمان را
با چشم و دنگ و دندان می خایند
و پنجه های وحشت پنهان را
با خون این قبیله می آلاینند
با این همه شهید
با این همه شهید
با کشورم چه رفته است
با کشورم چه رفته است که از خاک میمن گلگون
از کوچه های دهکده
از کوچه های شهر
از کوچه های آتش
از کوچه های خون
با قلب سرداران
با قامت قیام
انبوه پاره پوهان
انبوه ناگهان
انبوه انتقام
نهی آینه

چشم صورت مردان
دیری ست
در پرده های اشک نشسته ست
دیری ست قلب عشق
در گوشه های بند شکسته است
چندان ز تنگنای قفس خواندیم
کز پاره های زخم گلوبسته ست
ای دست انقلاب
مشت درشت مردم
گلمشت آفتاب
با کشورم چه رفته است □

در باغ ارفوان
در از دحام خلق
در دور دست و نزدیک
من هیچ نیستم
جز آن مسلسلی که در زمینه یک انقلاب می گذرد
و خالی و برهنه و خوتالود
سجم و سترگ و سنگین
در خون توده های زمان می فلتد
تا مثل خار سهمناک و درشتی
روئیده بر گریوه های گل سرخ -
آینده را
بماند
در چشم روزگار
یادآور شهادت شوریدگان خلق
بر ارتش مهاجم این نازی
این تزار
این خشم ماندگار
ای خشم
خورشید انفجار
ای خشم
تاجوخه های مخفی اعدام
در جامه های رسمی
آنگ
آنگ هزار لاشخور ای خشم
مثل هزار تومن یال انشان
خون شهید بسته است بر این ویران
دیگر بیار
بیاری خشم
ای خشم چون گدازه آتشفشان بیار
روی شب شکسته استعمار

امادریغ و در دکه "جبریل" های "او"
باشهر سپید
از هر طرف فرود می آیند

با کشورم چه رفته است
با کشورم چه رفته است
که زندان ها
از هبیم و شقایق سرشارند
و باز ماندگان شهیدان
انبوه ابرهای پریشان سوگوار
در سوگ لاله های سوخته می بارند
با کشورم چه رفته است که گلها هنوز سوگوارند

با شور گردباد
آنگ
منم که تفته تر از گردبادها
در خارزار بادیه می چرخم
تا آتش نهفته به خاکستر
آشفته تر ز نهره خورشیدهای "تیر"
از قلب خاک های فراموش سرکشد
تا از قنات حنجره ها
فوج خشم و خون
روی فروب سوخته مرگ پرکشد:

این نهره من است
این نهره من است که روی فلات می پیچد
و خاک های سکوت زمانه تاریک را می آشوبد
و با هزار مشت گران
بر آب های همان می کوبد
این نهره من است که می روید
خاکستر زمان را از خشم روزگار

بعد از تو...
ای گلشن ستاره دنباله دار اهدامی
ای خسر و بزرگ
که برق و لرزه در ارکان خسروان بودی
ای آخرین ستاره
خونین ترین سرود

سعید سلطانیپور

نمایندگان حزب کمونیست آلمان
و سازمان جوانان این حزب و
تعدادی از ایرانیان مترقی و
دمکرات در اعتراض به تیرباران
فدائی دلاور انوشیروان لطفی
بود.
این حرکت اعتراضی با حمایت
ایرانیان و آلمانی هایی که از محل
عبور می کردند، قرار گرفت.
نماینده اتحادیه ضد فاشیست های
آلمان نیز با حضور در این تظاهرات،
همبستگی خود را با
تظاهرکنندگان اعلام داشت.

خبر تیرباران انوشیروان
لطفی خشم و انزجار
بازدیدکنندگان از فرقه ایران را
برانگیخت. آنها ضمن محکوم
کردن این جنایت بزرگ خواهان
آزادی زندانیان سیاسی ایران
شدند.

آلمان فدرال: محوطه روبروی
دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی
در فرانکفورت، روز جمعه ۲۵
خرداد (۱۵ ژوئن) صحنه
تظاهرات ایستاده فدائیان خلق،

نیروی مشترک ما لحظه مرگ
رژیم پلید را نزدیکتر می کند."
ژاپن: روز یکشنبه ۲۲ خرداد
(۱۲ ژوئن) نستیوال صلحی با
شرکت سازمانهای جوانان
صلح دوست در پارک یویوگی واقع
در مرکز توکیو برگزار گردید.
فدائیان خلق (اکثريت) - ژاپن
با برپایی فرقه در این نستیوال و
پخش اعلامیه های افشاگرانه،
شهروندان ژاپنی را به اعتراض علیه
نقض حقوق بشر در ایران دعوت
کردند.

آبخبازی از حرکت های ●●●
بقیه از صفحه ۹
اعلام داشتند.
در بخشی از قطعنامه
آمده است:
"ما با درک و احساس مسئولیت
در چنین موقعیتی، تمامی
نیروهای ترقیخواه ایران را فرا
می خوانیم تا از هیچگونه همکاری
همگامی در راه نجات جان زندانیان
سیاسی میهنمان باز نایستیم.
بیائید با هر عقیده و فکری که
مستقیم دست یکدیگر را بفشاریم،

راه انقلاب، دمکراسی و صلح

نوشته مهمت کاراجا، معاون دبیرکل حزب کمونیست ترکیه
و عثمان ساکاسیز، عضو دفتر سیاسی حزب کارگر ترکیه

متحمل شده است، از رژیم نظامی خشن و تروریستی آشکار تا رژیم خودکامه کنونی که پوششی پارلمانی دارد. در این میان نباید از نظر دور داشت که رژیم امروزی، با رژیم پیشین متفاوت است. از طریق حکومت اوزال، نمایندگان غیرنظامی بورژوازی انحصاری نسبت به گذشته دسترسی مستقیم تری به قدرت دارند. اپوزیسیون دارای امکانات بیشتری است. برخی احزاب دمکراتیک می‌توانند قانونی فعالیت کنند، اگرچه تحت فشارهای سنگینی قرار دارند. اما این امکان برای نیروهای چپ انقلابی وجود ندارد. پارلمان کنونی به هیچ‌وجه اراده رای دهندگان را منعکس نمی‌کند. در انتخابات اخیر، تنها یک سوم رای دهندگان به حزب حاکم رای دادند، اما این حزب در پارلمان تقریباً دو سوم کرسی‌ها را به دست آورد. با این حال می‌توان حضور دو حزب دمکراتیک در پارلمان را یک موفقیت دانست. و با اینکه محافل میلیتاریست، به هیچ‌وجه نفوذ خود را از دست نداده‌اند و حکومت غیر نظامی فعلی، در کارکردهای مربوط به سرکوب دمکراسی، اغلب دست کمی از نظامیان ندارد، جسارت و نیروی اپوزیسیون دمکراتیک رو به افزایش است.

از آغاز سال جاری در ترکیه جنبش حقوق بشر فعال‌تر شده است. یک فراخوان نویسندگان و دانشمندان نامدار در همبستگی با دمکراسی، از سوی هزاران تن از روشنفکران امضا شده است. زندانیان سیاسی و بستگانشان، دست به اقدامات اعتراضی زده‌اند. نمایندگان ترقی‌خواه پارلمان نیز در این اقدامات شرکت کردند. علیرغم

با زمان نوسازی انقلابی بزرگ در اتحاد شوروی همراه شده است. این نوسازی، العام بخش ما بود و هزم ما را راسخ‌تر کرد که درباره سوسیالیسم علمی، به زبان خلقهای کشورمان سخن بگوییم. مادر جهانی زندگی می‌کنیم که در آن، بشریت هر چه بیشتر با مسائل جهانی حادی روبرو می‌شود، مسائلی که نه طبقات را می‌شناسند و نه نظام‌های اجتماعی را. قبل از هر چیز باید از خطر جنگ هسته‌ای نام برد، اما آلودگی محیط‌زیست، گرسنگی، بیماری‌ها و فیره نیز از این زمره‌اند. هیچ‌گاه سرنوشت یک ملت یا یک کشور تا این حد در پیوند تنگاتنگ با سرنوشت همه ملت‌ها و کشورها نبوده است. در جهان پیچیده و متناقض‌ما، که در همین حال بطور فزاینده‌ای به یک کل واحد تبدیل می‌شود و وجه مشخصه آن، افزایش وابستگی متقابل است، همه خلقها، همه جریانات سیاسی به اندیشه سیاسی نوینی نیاز مندند. این امر در وهله اول در مورد طبقه‌ای صادق است که آینده‌ان را می‌داند. از آنجا که موجودیت جهان در خطر است، رسالت تاریخی طبقه کارگر ابعاد بزرگتری یافته است: طبقه کارگر نه تنها باید یک انقلاب

محاکمه حیدر کوتلو و نیهات سارگین، دبیران کل حزب کمونیست، حزب کارگر ترکیه، نشانگر حساسیتی است که رژیم دیکتاتوری در این کشور نسبت به هر حله جدید فعالیت کمونیستها که با پیشبرد امر وحدت دو حزب کمونیست و کارگر آغاز شده است، دارد. مقاله حاضر، از شماره ۶ نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" ترجمه شده است و به این وحدت و مشی استراتژیک نوین کمونیستهای ترکیه می‌پردازد.

محاکمه حیدر کوتلو و نیهات سارگین، دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه، نشانگر حساسیتی است که رژیم دیکتاتوری در این کشور نسبت به هر حله جدید فعالیت کمونیستها که با پیشبرد امر وحدت دو حزب کمونیست و کارگر آغاز شده است، دارد. مقاله حاضر، از شماره ۶ نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" ترجمه شده است و به این وحدت و مشی استراتژیک نوین کمونیستهای ترکیه می‌پردازد.

روند وحدت دوگردان بزرگ طبقه کارگر، حزب کمونیست ترکیه (ت. کا. پ.) و حزب کارگر ترکیه (ت. ای. پ.) که در پایان سال گذشته آغاز شد، رویدادی با اهمیت تاریخی است. این رویداد از جمله به بازگشت دبیران کل دو حزب از مهاجرت به میهن انجامید. هدف از این گام شجاعانه، کمک به این امر است که نیروهای دمکراتیک ابتکار سیاسی را از دست رژیم خودکامه بگیرند. نتیجه دیگر، تدوین طرح برنامه حزب کمونیست متحد ترکیه است.

هدف قانونی کردن جنبش کمونیستی در کشور که ما مدنظر قرار داده‌ایم، به میزان معینی به تدوین برنامه جدیدی مربوط است که در موقعیت مساهدتری، تحقق پذیر باشد. اما چنین نیست که محتوی و شکل، اهداف و اصول برنامه تابع تلاش برای قانونی شدن باشد. همانگونه که نیهات سارگین، دبیرکل ت. ای. پ. بیان داشته است، سخن بر سر "مشی استراتژیکی است که بر پایه اندیشه نوین، مشترکا و مطابق با زمان تعیین شود"، و نه "سازش" دو حزب یا تلفیق برنامه‌های پیشین آنها.

در طرح، تجارب احزاب ما، از جمله در سهای شکستی که با کودتای نظامی ۱۹۸۰ به ماتمیل شد، در نظر گرفته شده‌اند، و در همین حال در آن، اندیشه‌های نوین پدیدار شده در جنبش بین‌المللی کمونیستی بازتاب می‌یابند. این، نیک‌بختی ما بود که جستجوی ما بدنبال راههای تبدیل ترکیه به کشوری امروزی و دمکراتیک،

عثمان ساکاسیز (متولد ۱۹۴۷) تراشکار است، وی در سن ۱۶ سالگی کار در حزب کارگر ترکیه را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۵ به عضویت حزب درآمد. وی دبیر کمیته مرکزی حزب برای کار در سازمانهای تودهای و مسؤل بخشهای خارج از کشور بود. وی پس از کودتای نظامی ناچار به مهاجرت شد.

مهمت کاراجا (متولد ۱۹۴۵) در جنبش سندیکایی فعال بود و در اواخر دهه ۷۰ در رهبری اتحادیه سندیکاهای انقلابی (دیسک) عضویت داشت. وی پس از کودتای نظامی ۱۹۸۰ به عنوان عضو حزب کمونیست ترکیه ناچار شد مخفی شده، سپس به فرانسه مهاجرت کند.

قوانین ضدسندیکایی، زحمتکشان در کارخانه‌ها به اشکال ویژه برای منافع مبرم خود مبارزه می‌کنند و این مبارزه را با مطالبه دمکراتیزه کردن کل زندگی همراه می‌کنند.

دولت، که در گذشته همواره از امضای منشورهای منعقد در چارچوب سازمان ملل متحد و اروپای غربی علیه شکنجه سر باز می‌زد، ناچار شد این تعهدات را امضا کند. یک موفقیت دیگر، فرمان حکومت است که بر مبنای آن، رفتار مومن در مورد زندانیان سیاسی در زندانها، که به ویژه کردها از آن رنج می‌بردند، ملغی اعلام شد.

کاملاً آشکار است که تنها پیکاری مصمم در راه دمکراسی و حقوق بشر می‌تواند تضمین کند که این مهیاریهای حقوقی به اجرا درآیند. تا امروز، ۱۸۷ مخالف دیکتاتوری که به مرگ محکوم شده‌اند، در معرض خطر اعدام قرار دارند. هزاران زندانی سیاسی وجود دارند، و قوانینی که برای فعالیت کمونیستی، چندین سال زندان پیش‌بینی می‌کند، کماکان به قوت خود باقی است. از این طریق هملا آزادی اندیشه و

اجتماعی انجام دهد، بلکه باید بشریت را از خطر نابودی حفظ کند.

استراتژی ما برای صلح و نوسازی دمکراتیک دو عنصر تعیین کننده دارد: نخست ضرورت کمک به تضمین صلح جهانی و نیل به این هدف که ترکیه دیگر دستیار سیاست امپریالیستی ایالات متحده آمریکا نباشد، و دیگر این وظیفه که به دمکراتیزه شدن کشور ما یاری رسانده شود. این اهداف با یکدیگر ارتباطی دارند؛ مبارزه برای دمکراسی از مبارزه برای صلح جدایی‌ناپذیر است.

از هنگام کودتای نظامی ۱۹۸۰، در ترکیه رژیم‌های ضددمکراتیک حکومت می‌کنند. مواضع آمریکا در کشورما، نیرومندتر از همیشه است و سیاست آنکارا تا حد زیادی از سوی مجتمع نظامی-صنعتی امپریالیسم آمریکا و توسط مشی رویارویی و نئوگلوبالیسم آن تعیین می‌شود. (نئوگلوبالیسم دکتترین محافل حاکمه آمریکا است که مطابق آن، سراسر جهان حوزه منافع ایالات متحده است م.)

در این سالها، خلق ما به اشکال مختلف ستم

عقیده منتفی است. حکومت، از زندانبانانی که دبیران کل بازداشت شده دو حزب ما را شکنجه کرده‌اند، پشتیبانی می‌کند. (حیدرکوتلو و نیعات سارگین در ۱۶ نوامبر ۱۹۸۷ به ترکیه بازگشتند. آنها فوراً بازداشت شدند، به زندان برده شدند و تحت شکنجه قرار گرفتند. خطر حبس طولانی، دو رهبر کمونیستهای ترکیه را تهدید می‌کند. "مسائل صلح و سوسیالیسم") اما حکومت اوزال می‌داند که نمی‌توان تا بد خواست رشدیابنده خلق مبنی بر دموکراتیزه کردن زندگی را سرکوب کرد. از این گذشته، اعمال شکنجه، این واقعیت که زندانیان سیاسی وجود دارند، و ممنوعیت حزب کمونیست، مانع قصد محافل رسمی ترکیه دایر بر ورود به جامعه اروپاست. از این رو حکومت می‌کوشد به یک "روند دموکراتیزه کردن" کنترل شده و محدود تحقق بخشد. حکومت، به‌ویژه منافع آن بخش از بورژوازی بزرگ ترکیه را نمایندگی می‌کند که در زمان دیکتاتوری نظامی تقویت شده است و می‌خواهد در هر صده بین‌المللی بدون خطر افکندن همکاری با ارتجاعی‌ترین نیروهای امپریالیسم، جای گرم و نرمی برای خود دست و پا کند. این حکومت به هیچ وجه قصد ندارد مشی سیاست خارجی خود را تغییر دهد. حکومت بسیار ملاحظه دارد که در برابر نظامیان، وزن بیشتری بیاید. اما طبقه حاکم نمی‌خواهد از این چشم‌پوشی کند که ارتش، این "آخرین برهان شاهان" حاکمیت این طبقه را تضمین کند. طبقه حاکم همواره آماده است تا در حالت بحران، یعنی زمانی که ستم‌کشان دیگر نخواهند سرنوشت خود را بپذیرند، از خدمات ارتش استفاده کنند.

به نظر ما اکنون ضروری است که ابتکار سیاسی از دست حکومت بیرون آورده شود و در اختیار نیروهای ترقی‌خواه قرار گیرد و چارچوب روند محدود دموکراتیزه کردن در هم شکسته شود. باید دایره شوم تکرار کودتاهای نظامی بدنبال دموکراسی موقت، محدود و حقیقی را که از سالهای ۵۷ وجود دارد، پایان بخشید.

برنامه حزب کمونیست متحد ترکیه خواهان چنان دموکراسی است که به نقش فعال توده‌ها تکیه داشته باشد. این برنامه، تنها برای بیان آزاد اراده مردم اعتبار، منشأ و پایه قدرت سیاسی را قائل است. از این رو پارلمان باید با انتخاب آزاد تشکیل شود و به سازمانهای دموکراتیک مختلف تکیه داشته باشد. هیچ نهاد دولتی نباید دعوی قرار داشتن در بالای سر چنین پارلمانی را داشته باشد. زمان آن رسیده است که به دخالت نظامیان در زندگی سیاسی پایان داده شود. هیچ حزب و هیچ گروه قادر نیست به تنهایی دموکراسی را به موفقیت برساند. تنها زمانی می‌توان دشمنان دموکراسی را شکست داد که همه نیروها متحد شوند، و در این میان هر گروه ارزشمند است. به حالی‌ترین هدف دموکراسی، یک دولت مردمی واقعی، تنها زمانی می‌توان دست یافت که بر توده‌های گسترده و طبقه کارگر سازمان یافته اتکا داشته باشیم. تنها تضمین حقیقی بر این امر، این است که مردم قدرت را در دست گیرند، از آن فعالانه استفاده

کنند و به آن زندگی ببخشند.

کمونیستهای ترکیه، برنامه جدید را نه تنها تثبیت اهداف دراز مدت مبارزه خود، بلکه همچنین رهنمودی برای عمل روزمره خود می‌دانند.

اگر بخواهیم تنها از شرایط اقتصادی و مادی ترکیه حرکت کنیم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که دیگر "حداقل ضروری" برای اعلام سوسیالیسم به عنوان هدف بلاواسطه، وجود دارد. با اینکه تا امروز نیز بقایای صورت‌بندی ما قبل سرمایه‌داری کاملاً از میان نرفته، عقب ماندگی اقتصادی به هیچ‌وجه محو نشده و تولید ساده کالایی هنوز هم رواج گسترده‌ای دارد، سرمایه‌داری در کشور ما به سطح رشد متوسطی رسیده است. انحصارات ملی ایجاد شده‌اند، و در پیوند با شرکت‌های فراملیتی، نقشی فزاینده ایفا می‌کنند. حتی می‌توان به میزان معینی از این سخن گفت که در کشور ما عناصری از یک سرمایه‌داری انحصاری دولتی شکل می‌گیرند. اما این عوامل عمدتاً اقتصادی، برای رو آوردن توده‌ها به سوسیالیسم، به انقلاب، کافی نیست. در تناسب قوای سیاسی نیز تغییرات معینی لازم است. تناسب قوا چنان نیست که بتوان تحقق یک قدرت انقلابی را در دستور روز قرار داد، قدرتی که قادر باشد خصلت طبقاتی دولت کنونی را تغییر دهد. امروز در ترکیه موقعیت انقلابی وجود ندارد و هیچ نشانه‌ای نیست که در آینده نزدیک پدید آید. عامل ذهنی انقلاب هنوز بلوغ نیافته است. شرایط اینکه در آینده قابل پیش‌بینی، سازمان‌یافتگی طبقه کارگر و اتحاد آن با نیروهای دیگری که بتوانند پیروزی را تأمین کنند، به سطح‌هایی تری ارتقا یابد، وجود ندارد.

بزرگترین مانع معینی در راه تقویت آگاهی و تشکل طبقه کارگر و همه زحمتکشان، این است که در کشور ما شرایط دموکراتیک وجود ندارد. شرایط دموکراتیک، نه از طریق قوانین و نه در جامعه تثبیت نشده‌اند و سنن پایداری نیز ندارند. از این رو، ایجاد و تحکیم یک رژیم دموکراتیک، دارای اهمیت مبرم است.

استراتژی صلح و نوسازی دموکراتیک را می‌توان هم بعضاً و هم کلاً با اصلاحات رادیکال تحقق بخشید. بدین منظور همکاری طیف حتی‌المقدور گسترده‌ای از نیروهای سیاسی، اجتناب‌ناپذیر است. این اصلاحات وقتی می‌توانند به پیگیرترین وجه تحقق یابند که دولتی ائتلافی با شرکت حزب کمونیست متحد ترکیه تشکیل شود. چنین مشی دارای سهم‌گیری به سوی اصلاحات به مثابه هدف مقدم، به نظر ما امری نوین است و با آنچه مانوس است تفاوت دارد. این مشی، واقعیت‌های امروز را با چشم انداز انقلابی آینده پیوند می‌بخشد.

درک لنین یعنی کاربست خلاق شیوه‌های او بر واقعیت مشخص. ماهیت استراتژی او این بود که با حرکت از موقعیت موجود راهمایی برای پیشرفت به سوی انقلاب سوسیالیستی جستجو شود. در هر حال طبقه کارگر نباید بطور منفعل انتظار ایجاد "شرایط انقلابی" را بگذرد. وظیفه استراتژی ما این است که در دوره‌های آرامش نسبی نیز به گامهایی که ما را به پیش می‌برد، کمک کند، توده‌ها را آماده روندهای انقلابی آینده

سازد و سایر نیروهای سیاسی را به سطحی ارتقا دهد که پاسخگوی این روندها باشند.

استراتژی صلح و نوسازی دموکراتیک ما، نه استراتژی انقلاب، بلکه استراتژی اصلاحات است، اما برای ترکیه امروز، نه یک استراتژی رف‌ر میستی، بلکه یک استراتژی انقلابی است.

تحکیم دموکراسی در زندگی اجتماعی یعنی ترویج فرهنگ سیاسی در میان مردم و تبدیل آن به سنت پایدار شهروندی. ما یک وظیفه مهم را در این می‌دانیم که فرهنگ ملی و هم بشردوستانه را از افولی که می‌خواهند بدان دچارش کنند، نجات دهیم و به شکل‌گیری یک فرهنگ سیاسی نوین و دموکراتیک یاری رسانیم. محافل ارتجاعی میلیتاریست در کشور ما در این عرصه مسبب صدمات بزرگی شده‌اند. آنها به مردم ما نفرت و روحیات انتقام‌جویانه در مقابل سایر ملل، و شوونیسم و انعطاف‌ناپذیری مذهبی را القا کرده‌اند؛ در همین حال آمریکا و "کشویه زندگی آمریکایی" ستایش و به فردگرایی خودخواهانه و بی‌اخلاقی دامن زده شده است. از این طریق، خواسته‌اند نیروی خلق را فلج کنند، حس همبستگی را بکشند و نگذارند که اعتراض به بی‌عدالتی، به اپوزیسیون اجتماعی فراروید.

در برنامه حزب کمونیست متحد ترکیه دعوت به عمل آمده است که فرهنگ ملی مردم ترک و کرد بر پایه میراث تاریخی نوسازی شود و بدان از این طریق حیات بخشیده شده و با افزودن ارزشهای دموکراسی، انساندوستی و میهن پرستی، بدان فضای بیشتری داده شود. بر مبنای این ارزشها، باید یک فرهنگ سیاسی نوین چپ را ایجاد کرد و به تدریج آن را از آن همه نیروهای دموکراتیک و سپس کل جامعه ساخت. مهمترین عناصر این فرهنگ سیاسی نوین کدامند؟ عدم پیشداوری، تحمل دگراندیشان و انسانهای با عقاید مذهبی و فلسفی دیگر؛ احترام متقابل به ارزشها و محاسن؛ توانایی نگرش انتقادی به نظرات خود، رد کلیشه‌ها؛ پذیرا بودن در برابر تلاش خلاقانه؛ رد هر گونه تروریسم، از جمله تروریسم دولتی.

هر چه بیشتر توده‌های خلق و سیاستمداران این فرهنگ را از آن خود کنند. برای دشمنان دموکراسی، محافل طرفدار آمریکا، مرتجع و میلیتاریست بی‌ثبات کردن اوضاع در کشور، کاربست قهر و استفاده از پیشداوری، نفرت و انتقام‌جویی دشوارتر خواهد بود. به کرسی نشستن چنین فرهنگ سیاسی در جامعه، بسته به تقویت جنبش کارگری و تاثیر آن بر زندگی کشور ماست. محافل میهن پرست، دموکرات انساندوست و روشنگران، در دفاع از ارزشهای فرهنگی ملی و شکل دادن به یک فرهنگ سیاسی نوین دموکراتیک، متحدان طبیعی طبقه کارگرند.

آیا می‌توان با موفقیت اهداف واقع‌بینانه و مشخصی فرارو قرار داد که منافع طبقاتی را با منافع عموم بشری و ملی پیوند دهند و نیروهای گسترده مردم را متحد کنند؟ مشی ما در عرصه امنیت ملی بدین روش پاسخ مثبت می‌دهد. ما معتقدیم امنیت ملی، از امنیت کشوری همسایه، منطقه و ماکل جهان جدانیست. حتی در درون ناتو نیز ترکیه دچار وابستگی بقیه در صفحه بعد

راه انقلاب

بقیه از صفحه قبل

ویژه‌های به آمریکاست. سلاحهای هسته‌ای آمریکا در خاک ترکیه نه تنها برای ما بزرگترین خطرند، بلکه در سطح جهانی نیز خطری بزرگ محسوب می‌شوند. واشنگتن در کشور ما تاسیسات نظامی جدیدی برپا می‌کند که به کار اقدامات فیر قانونی و راهزنانه "نیروی مداخله سریع" می‌آیند، و به پایگاههای خود گسترش می‌بخشد. ایالات متحده بیش از پیش می‌کوشد به ما انواع جدید سلاحهای هسته‌ای و سیستم‌های حامل آن را تحمیل کند. از این طریق از تاثیر مثبت قرارداد محو موشکهای برد متوسط و کوتاه کاسته خواهد شد. برنامه‌هایی برای استفاده از خاک ترکیه برای ابتکار دفاعی استراتژیک (جنگ ستارگان م.) نیز فاش شده است.

در برنامه حزب کمونیست متحد ترکیه، ممنوعیت استقرار سلاحهای جدید هسته‌ای و سیستم‌های حامل آن در ترکیه، بیرون بردن همه سلاحهای هسته‌ای از خاک کشور و پایان دادن به حضور نظامی آمریکا گنجانده شده است. در ناتو ترکیه باید سیاستی را دنبال کند که در خدمت منافع امنیتی مشروع کشور باشد. و به تحکیم صلح در جهان و نیز خلع سلاح همو می‌بر پایه امنیت یکسان، از جمله انحلال هم‌زمان هر دو بلوک نظامی، کمک کند. به نظر ما چنین سیاستی می‌تواند گسترده‌ترین نیروهای سیاسی را برای حفظ صلح بسیج کند، از جمله نیروهای راکه خواهان ادامه عضویت ترکیه در ناتو هستند، اما وابستگی کشور به امپریالیسم آمریکاراد می‌کنند.

نوسازی انقلابی در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به ما الهام می‌دهد که تصورات مشخص خود را درباره سوسیالیسم شکل دهیم، تصوراتی که مطابق با ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما باشد و این ویژگی‌ها را به حساب آورد. مانی‌ترین هدف حزب کمونیست متحد ترکیه، برپایی جامعه کمونیستی است. مرحله اول این جامعه، سوسیالیسم، اکثر ناتوی موقعیت کنونی در ترکیه است. سوسیالیسم، که بر عدالت اجتماعی، رشد پویا و برنامه‌ریزی شده اقتصاد و بیشترین حداز گسترش ابتکار فردی مبتنی است، می‌تواند به مسائل اصلی جامعه، پاسخ‌های درست و آینده‌ساز بدهد.

در ترکیه سوسیالیستی، قدرت طبقه کارگر و زحمتکشان برپا خواهد شد، قدرتی که به نوشته لنین، "میلیونها را دمکراتیک‌تر از هر دمکراسی بورژوایی" است. (لنین، مجموعه آثار بزبان آلمانی، ج. ۲۸، ص. ۲۴۷) ما می‌خواهیم حقوق و آزادی‌هایی که زحمتکشان طی مبارزات طولانی کسب کرده‌اند گسترش و به سطح کیفیتی نوینی ارتقا یابند. در سوسیالیسم، در همه هر صدها، نه کمتر، که بیشتر آزادی وجود خواهد داشت. این امر به معنای آزادی سخن است - طبیعی است که به استثنای تبلیغ جنگ، ترور، نظرات نژادپرستانه و شوونیستی - و نیز آزادی تاسیس احزاب سیاسی که به دمکراسی احترام بگذارند. ترکیه سوسیالیستی، دولتی

دنیوی خواهد بود که در آن، آزادی عقیده و مذهب حاکم است. پیروان همه مذاهب و ادیان همراه با آتئیست‌ها با تحمل و احترام متقابل، برادرانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. نقش رهبری را در جامعه طبقه کارگر ایفا خواهد کرد، طبقه‌ای که از اعتماد اکثریت تنظیم ملت برخوردار است و بر اتحاد با احزاب و سازمانهای متکی است که از سوسیالیسم جانبداری، و در چارچوب نظام دمکراتیک قانون اساسی فعالیت می‌کنند.

ما بر این نظریه که ترکیه بدون جنگ داخلی به سوسیالیسم خواهد رسید، این امر البته بدین معنی نیست که سوسیالیسم باید سلسله اصلاحات ایجاد خواهد شد و در نتیجه چنین اصلاحاتی، دیگر تغییر خصالت طبقاتی قدرت در دستور کار نخواهد بود. نظام سوسیالیستی تنها می‌تواند با مبارزه مصمم و سازمان یافته طبقه کارگر و همه زحمتکشان دیگر، بعنوان نتیجه یک روند انقلابی برپا شود، در طرح برنامه گفته می‌شود که امروز نمی‌توان جز به جز، مراحل مشخصی را که این روند طی خواهد کرد، تعیین نمود. سوسیالیسم با عمل فعال و خلاق طبقه کارگر و سایر گروههای زحمتکشان شکل می‌گیرد. از این رو، روند انقلاب - بسته به نفوذ کمونیستها و همه نیروهای چپ و دمکراتیک، به استواری اتحاد آنها و نیز توان و اشکال مقاومت مخالفان انقلاب خواهد بود.

ما اعتقاد داریم که هدف تحقق انقلاب از راه مسالمت‌آمیز، با شرایط امروز و بویژه آینده‌ای که در آن سوسیالیسم در کشور ما در دستور روز قرار خواهد داشت، انطباق دارد. ما روی عقل سلیم در دفع خطری که موجودیت زمین را تهدید می‌کند حساب می‌کنیم و اطمینان داریم که تلاشهایی جدی برای ایجاد یک نظام بین‌المللی امنیت جمعی به عمل می‌آید. در چنین جهانی، که در آن دیگر جایی برای جنگ‌های تجاوزکارانه نیست، قادر خواهیم شد میلیتاریسم و شیوه‌های قهر خونین آن را به عقب برانیم. اما برای اینکه شرایط مساعد بین‌المللی به روال مسالمت‌آمیز انقلاب کمک کند، باید در کشور ما تغییرات بزرگی در تناسب قوا صورت پذیرد، تغییراتی که اعمال مجدد ترور خونین را ناممکن کند. شرط اجتناب ناپذیر این امر، تبدیل شدن دمکراتیک به جز پایدار زندگی اجتماعی است. در برنامه حزب کمونیست متحد ترکیه نه تنها از هدف - پیروزی سوسیالیسم از راه مسالمت‌آمیز - بلکه همچنین از ابزار اصلی دستیابی بدان، یعنی استراتژی نوسازی دمکراتیک، که در همین حال استراتژی انقلاب از طریق مسالمت‌آمیز است، نام برده شده است.

حزب کمونیست متحد ترکیه، یکی از احزاب کارگری و دمکراتیک در کشور ماست. اهداف و اصول این حزب از اهداف طبقه کارگر و اصول دمکراسی جدایی‌پذیر نیستند. نه امروز و نه در آینده، حزب دهوی یا خواست دستیابی به موقعیت ویژه و یا امتیازات را ندارد. ما اعتقاد نداریم که انحصار حقیقت در دست ماست یا از اشتباه مصونیم. ما به مواضع سایر نیروهای دمکراتیک احترام می‌گذاریم و آماده مباحث هاری از پیشداوری هستیم.

همانگونه که حیدر کوتلو، دبیرکل کمیته مرکزی ت. ک. پ. گفته است، ما از همان آغاز روند وحدت دو حزب "تصمیم گرفتیم درباره این مسئله بسیار مهم و در همین حال بسیار دشوار که کدام حزب امروز پیشاهنگ طبقه کارگر کشور ماست، بحث نکنیم. نه حزب کمونیست ترکیه و نه حزب کارگر ترکیه، خود را پیشاهنگ لقب نداد. نه در بحث ما با یکدیگر و نه در تماس‌ها با سایر احزاب چپ." احساس مسئولیت ما نه از یک موقعیت ویژه، بلکه از این شناخت نشات می‌گیرد که ما حزبی هستیم که در همه موقعیت‌ها جانب منافع حیاتی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را می‌گیرد؛ حزبی که محور سرمایه‌داری از طریق انقلابی و برپایی سوسیالیسم را هدف خود قرار داده است؛ حزبی که سیاست و ساختار تشکیلاتی خود را بر اصول مارکسیسم - لنینیسم استوار می‌کند؛ حزبی که بعنوان یک حزب انترناسیونالیست، جای خود را در جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری دارد.

ما مخالف این هستیم که اصول سوسیالیسم هلمی را که در عمل آزموده شده‌اند، "گفته شده" بخوانیم و به این اصول به مثابه دگم‌های جامد و تغییرناپذیر نمی‌نگریم. تلاش ما این است که اندیشه‌های سوسیالیسم هلمی را بر شرایط مشخص ترکیه به کار بندیم، پیوسته با روح شناخت دانش‌آموزین و اندیشه‌نویین بر فضای آن بیافزاییم و آن را با ضروریات زندگی تطابق بخشیم.

برای ما آموزش‌لینی حزب طراز نوین ارزش خود را حفظ کرده است. ما با تلفیق دمکراسی گسترده درون حزبی با وحدت عمل، از میراث لنین پیروی می‌کنیم. کمونیستهای ترکیه می‌خواهند در کشور خود فعالیت قانونی داشته باشند. دمکراسی درون حزبی در شرایط قانونیت به بهترین وجه گسترش می‌یابد، اما اگر هم فعلاً موفق نشویم به لغو ممنوعیت ننگین حزب کمونیست دست یابیم، شیوه‌ها و اشکال فعالیت خود را خلافتانه تکامل خواهیم بخشید تا محدودیت‌های ناشی از فعالیت مخفی را به حداقل کاهش دهیم و دمکراسی درون حزبی را به بیشترین میزان تعقیق بخشیم. این دمکراسی، که بر تنوع، سهم هر کمونیست در شکل دادن به سیاست و بنابر این در فنا بخشیدن به خرد جمعی استوار است، به تقویت وحدت عمل و انضباط آگاهانه کمونیستها نیز خواهد انجامید.

اگر قرار باشد نیروی ترقی‌خواه برای خلق ما آینه‌ای از ترکیه دمکراتیک آینده باشد، ما می‌خواهیم حزب کمونیست متحد، برای مردم ما به آئینه دمکراسی سوسیالیستی تبدیل شود.

میخائیل گارباچف در پلنوم فوریه ۱۹۸۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: "آموزگار بزرگ ما، مبنای هینی ارزشهای هام بشری را کشف کردند و آن را بگونه‌ای دیالکتیکی با ارزشهای اجتماعی - طبقاتی پیوند دادند. اینک این امر به مشی اصلی سیاست عملی تبدیل می‌شود." کمونیستهای ترکیه در برنامه نوین خود، وظایف حزب انقلاب و در همین حال حزب دمکراسی، حزب صلح بودن را بگونه‌ای عملی با یکدیگر تلفیق می‌کنند. □

مبارزه در مناطق اشغالی فلسطین ادامه دارد

علیرقم اینکه گزارشده‌ی رسانه‌های گروهی قرب درباره مبارزات مردم مناطق اشغال شده فلسطین علیه اسرائیل کاهش یافته است، این مبارزات کماکان گسترده و نیرومند ادامه دارد. هر روز در کرانه غربی رود اردن و نوار فزه تظاهراتی علیه اسرائیل انجام می‌گیرد، و هر روز سربازان اسرائیلی به سوی مردم شلیک می‌کنند.

در روز سه‌شنبه ۲۱ ژوئن، یک نوجوان ۱۶ ساله بر اثر تیراندازی صهیونیستها به سوی تظاهرات مردم روستایی در نزدیکی نابلس، مجروح شد. اشغالگران همه مردان روستا را به زور گرد آورده و آنان را تفتیش کردند. سپس در این روستا مقررات منع رفت و آمد برقرار شد.

در نابلس یک کودک ۱۰ ساله فلسطینی توسط یکی از صهیونیستهای ساکن شهرهای یهودی نشین، به ضرب گلوله مجروح شد. اسحاق رابین وزیر جنگ اسرائیل از ساکنان کیبوتص‌ها، شهرک‌های صهیونیستی در مناطق اشغالی، خواسته است خود را سا بروی مردم فلسطینی آتش بگشایند. وی خواهان همکاری ارتش و ساکنان شهرک‌های صهیونیستی در سرکوب قیام مردم فلسطین شد. یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش

فلسطین در یک کنفرانس مطبوعاتی در برلین اظهار داشت بنابه آماری که در دست دارد، شمار شهدای فلسطینی که از آغاز قیام جاری در مناطق اشغالی بدست صهیونیستها به قتل رسیده‌اند، بسیار بیش از رقم ۳۷۱ نفر است که توسط اسرائیل ادعا می‌شود. عرفات گفت تاکنون ۱۰ هزار تن مجروح شده‌اند و زنان باردار در ۱۶۰۰ مورد بر اثر گاز اشک‌آور آسیب دیده‌اند.

در یک گزارش جمعیت حقوق بشر اسرائیل گفته می‌شود "بازداشت موقت" در مناطق اشغالی به ابعادی بی‌سابقه رسیده است. اشغالگران می‌توانند بازداشت شدگان را تا شش ماه بدون محاکمه در اردوگاهها و زندانها نگاه دارند. مقامات رسمی اسرائیل به وجود ۲۵۰۰ زندانی که "بازداشت موقت" شده‌اند، اعتراف کرده‌اند.

سازمان حقوق بین‌المللی اعلام کرد تاکنون ۴۰ فلسطینی بر اثر استفاده وحشیانه از گلوله‌های گاز اشک‌آور توسط صهیونیستها کشته شده‌اند. گزارش این سازمان با استفاده از اطلاعات پزشکان در مناطق اشغالی تهیه شده است. در میان کشته‌شدگان بر اثر گاز اشک‌آور، ۱۸ نوزاد و ۱۷ نفر بالای ۵۰ سال بوده‌اند.

۲۶۵ ضد انقلابی افغانی کشته شدند

رادیو کابل در روز سه‌شنبه ۲۱ خرداد گزارش داد در نبردها بر سر تصرف شهر استراتژیکی کلات در استان جنوبی زابل، ۱۳۰ ضد انقلابی کشته و ۱۲۰ تن از آنان مجروح شدند. نیروهای دولتی توانستند مقادیر زیادی مهمات و مواد منفجره به قیمت بگیرند. همچنین اعلام شد در نبردهای اخیر در استان قندهار ۱۳۵ تن از نیروهای ضد انقلابی کشته و بیش از ۱۰۰ تن مجروح شدند. بدین ترتیب شمار تلفات ضد انقلابیون در روزهای اخیر به ۲۶۵ نفر رسید. به گزارش رادیو کابل، زندگی در کلات واقع در کنار جاده استراتژیکی کابل به قندهار، کماکان هادی است. گنادهی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی نیز گزارشهای رسانه‌های غربی را مبنی بر اینکه ضد انقلاب، شهر کلات را تصرف کرده است، تکذیب کرد و گفت ارگانهای محلی قدرت، که از سوی دولت کابل منصوب شده‌اند، کنترل شهر را در دست دارند. گراسیموف افزود تلاشهای ضد انقلابیون برای حمله به شهر توسط نیروهای دولتی افغانستان با

شکست مواجه شده است.

گراسیموف تشکیل به اصطلاح "دولت در تبعید" ضد انقلابیون افغانی در خاک پاکستان را نقض ضمن تعهدات پاکستان در قراردادهای ژنو خواند.

روزنامه پرو دانیل در تفسیری یادآور شد که یکی از موارد قرارداد دوجانبه افغانستان و پاکستان، دو طرف را با صراحت متعهد می‌کند از حمایت و تشویق فعالیت‌های شورشیان یا تجزیه طلبان یا از اقداماتی که متوجه اخلاف یا براندازی نظام سیاسی طرف مقابل باشد، خودداری کنند. پروا دانه تضاد میان این تعهد و تشکیل "دولت موقت" ضد انقلابیون در خاک پاکستان اشاره می‌کند.

ضد انقلابیون افغانی مستقر در ایران که مورد حمایت رژیم خمینی‌اند، در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران تشکیل به اصطلاح دولت ائتلافی ضد انقلابیون مستقر در پاکستان را محکوم کردند و خواهان تشکیل یک "شورای انقلاب" شدند.

کودتادر هائیتی

ژنرال هائیری نامگی که پس از سرنگونی دووالیه دیکتاتور هائیتی جای وی را گرفته بود، با برآه انداختن یک کودتا بار دیگر قدرت را به دست گرفت. نامگی در سال گذشته یک انتخابات فرمایشی ترتیب داد و سپس پست ریاست جمهوری را به کاندیدای شیر نظامی مورد نظرش بنام مانیکا سپرد. اما کمتر از شش ماه پس از

کنگره حزب کمونیست ایتالیا

آکیله اوکتو، ۵۳ ساله، که تاکنون عهده‌دار معاونت دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا بود، پس از کنگره حزب به جای الکساندو ناتا. به دبیر کلی انتخاب شد. اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون تجدید نظر با ۲۷۳ رای موافق و ۵ رای مخالف اوکتو را برگزیدند. ناتا دبیرکل پیشین به علت کاهش آرای حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات اخیر شهرداری‌ها و نیز بیماری قلبی، از سمت خود کناره گرفت و به حزب توصیه کرد اوکتو به عنوان دبیرکل جدید برگزیده شود. اوکتو در یک سخنرانی، خواهان تشدید مبارزه حزب کمونیست ایتالیا با دولت شد.

رسوایی رشوه خواری در وزارت دفاع آمریکا

دهماتن از مقامات وزارت دفاع آمریکا، ۱۵ شرکت اسلحه‌سازی و نیز جمعی از نمایندگان کنگره آمریکا متهمند که در سفارشمای تسلیحاتی، میلیاردها دلار حیف و میل کرده‌اند، به ویژه شرکت هواپیماسازی و تسلیحاتی مک دانل داگلاس برای کسب سفارشمای کلان اسلحه، مبالغ زیادی رشوه پرداخت کرده است. بسیاری از مقامات پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، در همین حال در هیات‌های مدیره شرکت‌های اسلحه‌سازی، عضویت دارند.

از میان دیگر رویدادها

*تنگوین کوتاچ وزیر خارجه ویتنام که برای گفتگو پیرامون مسئله کامبوج به تایلند سفر کرد، در بانکوک خواهان خلع سلاح دارو دسته پل پوت شد. وی گفت تنها در این صورت نیروهای ویتنامی تا پیش از سال ۱۹۹۰ از کامبوج خارج خواهند شد.

*بزرگترین اجلاس بین‌المللی برای بررسی امر صلح و خلع سلاح با شرکت ۱۰۳۴ شخصیت عالی‌رتبه از ۱۱۳ کشور در برلین پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار شد. در این اجلاس که شعار اصلی آن ایجاد منطقه‌های از سلاح‌های هسته‌ای در اروپای مرکزی بود، احزاب کمونیست، سوسیال دمکرات و لیبرال و جنبشهای رهایی بخش شرکت کردند.

*گنادهی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی اعلام کرد اوضاع در ایروان پایتخت ارمنستان و نیز قره‌باغ بار دیگر متشنج شده است و تظاهراتی در حمایت از انضمام قره‌باغ به ارمنستان برگزار می‌شود.

*محصر روز شنبه ۲۸ خرداد (۱۸ ژوئن) تورگوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه هدف یک ترور نافرجام قرار گرفت. وی که در کنگره حزب حاکم "مام وطن" سخن می‌گفت، بر اثر تیراندازی فردی که پس از دستگیری، روشن شد که از دارودسته ثنوفاشیستی "گرگهای خاکستری" است، از ناحیه دست جراحت مختصری برداشت.

خبرگزاری‌ها:

بیماری خمینی سخت‌تر شده است

خبرگزاری‌ها و دیگر رسانه‌های بین‌المللی همچنان گزارش می‌دهند که خمینی محتضر و در شرف مرگ است. در طی هفته گذشته گزارش‌ها و خبرهای متعددی در این زمینه در سطح جهان منتشر شده است. بنا به این گزارش‌ها، اکیپ‌های پزشکی ویژه‌ای که از کشورهای اروپایی برای نجات جان خمینی فراخوانده شد‌ند، همچنان در تهران اقامت دارند.

مقامات جمهوری اسلامی که پیش‌تر با پخش شایعه مرگ خمینی، طی چندین مصاحبه آن را تکذیب کرده بودند، در هفته گذشته بکلی سکوت کردند و هیچ گزارشی از دیدارهای وی را در نه روز اخیر، منتشر نکرده‌اند. آخرین گزارش مصوری که سیمای

ایران از دیدارهای خمینی پخش کرد، دیدار وی با فرمانده کمیته‌ها در روز یکشنبه ۵ تیر بود. خمینی در این دیدار نیز قادر به سخن گفتن نبود. اعلام دیدار خمینی با ولیعهدش منتظری قبل از اینکه بیانگر سلامتی او باشد نشانه وخامت وضعیت جسمی‌اش است. خلیفه ۸۸ ساله چهارم در زمانی در بستر مرگ افتاده که آشفتگی زحمات حکومتش از وخامت موقعیت رژیم ولایت فقیه از همیشه بیشتر است. شاید پزشکان این بار هم بتوانند چاره‌ای برای گریز خمینی از مرگ بیابند، اما درماندگی فزاینده رژیم خمینی چاره‌ناپذیر است. نه فقط مرگ که حتی بیماری خمینی نیز حکومت دیکتاتوری فقهاران‌اتوان‌تر می‌کند.

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست کانادا

در روز جمعه ۲۰ ماه مه (۳۰ اردیبهشت) بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست کانادا با سخنان ویلیام کاشتان دبیر کل حزب و با حضور ۲۵ هیات‌نماینده‌ی از احزاب کمونیست و کارگری در تورنتو آغاز به کار کرد.

ویلیام کاشتان در سخنان خود ضمن استقبال از روند خلع سلاح و مذاکرات میان اتحاد شوروی و آمریکا، به مسائل داخلی کانادا پرداخت و وی گفت در این کشور مبارزه علیه تئوکسیسم و اتیسم (محافظه‌کاری نوین) گسترش می‌یابد. کاشتان، ویژگیهای سیاست دولت مارونی‌تخت وزیر کانادا را افزایش وابستگی به ایالات متحده، حذف مشاغل و محدود کردن حقوق سندیکایی، تقسیم منابع انرژی کانادا با ایالات متحده و افزایش سود سرمایه خواند. کاشتان افزود مقاومت اتحادیه‌های کارگری با سیاست خصوصی کارخانه‌ها، افزایش می‌یابد.

کاشتان با حمایت از نوسازی در کشورهای سوسیالیستی گفت حزب کمونیست کانادا نیز باید تحلیل و ارزیابی‌هایی را که امروز، بطلان آنها ثابت شده است، به کنار بگذارد. کاشتان اظهار داشت حزب کمونیست کانادا طرح

گذار به سوسیالیسم را با تکیه بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و کار - برد خلاقانه آن بر شرایط کانادا تمهیه کرده است. کنگره حزب کمونیست کانادا، کمیته مرکزی، هیات اجرایی و دبیر کل جدید حزب، جرج موسیون را برگزید. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در پیامی به کنگره حزب کمونیست کانادا برای کمونیستهای کانادا در مبارزه با سیاست‌های تسلیحاتی و تجاوز کارانه کشورهای امپریالیستی آرزوی موفقیت کرد.

مؤاداران سازمان در کانادا ضمن حضور در کنگره حزب کمونیست این کشور، اقدام به جمع‌آوری امضا در حمایت از قطع فوری جنگ ایران و عراق و توقف صدور اسلحه به ایران و عراق کردند. نمایندگان حزب مترقی زحمتکشان قبرس، جبهه‌هایی بخش ملی فارابوند و مارتی السالوادور، حزب کمونیست آمریکا، حزب سوسیالیست مجارستان، حزب کمونیست اسرائیل، حزب مترقی خلق گویان، کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست کوبا خواستار پایان جنگ ایران و عراق شدند.

انگلیسی‌ها هم آمدند

به عمل آمد. پس از مبادله سفیر میان جمهوری اسلامی و فرانسه، به‌دور روابط انگلیس نشان گر افزایش تلاش رژیم آخوندی برای جبران شکستهای نظامی اخیر و برون رفت از انزوای روز افزون دیپلماتیک است. امپریالیستهای فرانسوی و انگلیسی‌تصها از بابت این امتیاز که در مقطع حساس کنونی به رژیم خمینی داده‌اند، قول‌ها و امتیازات سنگین تری گرفته‌اند. هنوز گزارشی در باره مذاکرات احتمالی برای تحویل سلاحهای بیشتر به رژیم خمینی منتشر نشده است، اما با توجه به تجارب چند ساله فروش مقادیر زیاد تسلیحات به جمهوری اسلامی از سوی انگلیس و فرانسه، بیم آن می‌رود که در این زمینه نیز توافقهایی صورت گرفته باشد. لندن از مراکز مهده انجام خریدهای تسلیحاتی رژیم خمینی است.

هفته گذشته یک هیات پارلمانی انگلیس از تهران دیدار کرد. این دیدار بدنبال سفر هیات وزارت خارجه جمهوری اسلامی به لندن بود که در شماره گذشته خبر آن را منعکس کردیم. در سفر هفته گذشته هیات انگلیسی به تهران، گفتگوهایی در باره بهبود روابط تهران و لندن انجام گرفت. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد طرفین به مذاکرات در باره سر نوشت گروگانهای انگلیسی در لبنان پرداختند. یکی از اعضای هیات انگلیسی، نماینده شخصی استق اعظم کلیسای کاتربری بود که با پیامی برای رفسنجانی از سوی اسقف مزبور به تهران رفت. لازم به یاد آوری است که در پی سفر هیات وزارت خارجه رژیم خمینی به لندن، توافقهایی در مورد دعوای مالی دو جانبه، از جمله مربوط به خسارت وارد آمده به ساختمان سابق سفارت ایران در جریان گروگانگیری سال ۱۳۵۹،

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۱ مارک	۱۳ مارک
		۲۱	۲۴
بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثريت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارک	۳۰ مارک
	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.213
MONDAY, 27 JUN, 88

آدرس: **Address: Ruzben POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY**

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید